



Scenario Planning Based on Interpreting the Experiences of Street Musicians in Urban Spaces of Tehran

ARTICLE INFO

Article Type
Original Research

Author

Mehrshad Jahanabadi¹
Atiyeh Asgari^{2*}

How to cite this article

Jahanabadi, Mehrshad and Asgari, Atiyeh. Scenario Planning Based on Interpreting the Experiences of Street Musicians in Urban Spaces of Tehran. *Urban Design Discourse*. 2025; 6(4): 33-51.

Doi:

doi.org/10.48311/udd2025.117180.82803

¹ Department of Urbanism. ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

² Department of Urbanism. ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

This study explores the lived experiences of street musicians in the metropolis of Tehran and examines their role in shaping urban spaces. The central premise is that street music, beyond being merely a recreational or livelihood activity, constitutes a dynamic and influential urban ecosystem shaped by economic, social, and cultural forces. Employing a qualitative research design, the study draws on fifty semi-structured interviews with key actors in this field, conducted until theoretical saturation was achieved, ensuring the validity and reliability of the findings.

The results reveal that the lived experiences of street musicians manifest across three interrelated dimensions: economic, social, and cultural. Economically, income-generation processes, financial challenges inherent to informal activities, and legal and institutional risks affect the sustainability of their practices. Socially, street music fosters spontaneous human interactions and forms fluid, temporary communities that enhance the sense of place among both performers and audiences. Culturally, musicians play a pivotal role in shaping the city's distinctive soundscape and in reproducing the identity of urban spaces. These dimensions are organically intertwined, positioning street music as a vital urban ecosystem that—despite structural constraints—contributes to improving the quality of public life and the production of urban space.

Using scenario planning based on intuitive logic, the study proposes five potential pathways for the future development of street music in Tehran and underscores the necessity of transitioning toward people-centered and place-based policy approaches. This research advances theoretical understanding while offering strategic insights for cultural policy and urban planning.

Keywords: Urban ecosystem; Scenario planning; Soundscape, Place identity; Social interactions.

*** Correspondence**

Address: Department of Urbanism. ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Email: a_asgari@azad.ac.ir

Article History

Received: 21 October 2025

Accepted: 18 November 2025

Revised date: 13 December 2025

سناریوسازی بر اساس خوانش تجربه موزیسین‌های خیابانی در فضاهای شهری شهر تهران

اطلاعات مقاله:

چکیده

نوع مقاله: پژوهشی اصیل

نویسندگان:

سید مهرشاد جهان آبادی^۱
عطیه عسگری^{۲*}

این پژوهش با هدف تحلیل تجربه زیسته موزیسین‌های خیابانی تهران و تبیین نقش کنشگرانه آنان در تولید فضاهای شهری، در بستر کلان‌شهری انجام شده است. فرض اصلی تحقیق بر این است که موسیقی خیابانی صرفاً یک فعالیت تفریحی یا معیشتی حاشیه‌ای نیست، بلکه به‌منابه یک اکوسیستم شهری زنده و تأثیرگذار عمل می‌کند. پژوهش به شناسایی نیروهای پیشران اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این پدیده می‌پردازد. روش‌شناسی کیفی پژوهش با انجام ۵۰ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با کنشگران اصلی (موزیسین‌های خیابانی) تا نقطه اشباع نظری، و با تضمین روایی و پایایی داده‌ها صورت گرفته است.

یافته‌ها نشان می‌دهند که تجربه زیسته موزیسین‌های خیابانی در تهران در سه محور کلیدی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تبلور یافته است. در محور اقتصادی، سازوکارهای پنهان کسب درآمد، چالش‌های مالی ناشی از فعالیت غیررسمی، و ریسک‌های نهادی و قانونی مداوم آشکار شده که مستقیماً بر ظرفیت کنشگری و پایداری فعالیت تأثیر می‌گذارد. در محور اجتماعی، موسیقی خیابانی عاملی قدرتمند برای خلق تعاملات خودجوش انسانی و شکل‌گیری جوامع موقت و سیال است که به ارتقای حس تعلق به مکان در میان مخاطبان و کنشگران منجر می‌شود. محور فرهنگی نقش محوری موزیسین‌ها در شکل‌دهی منظر صوتی شهر و بازتولید هویت منحصر به فرد مکان‌های شهری را برجسته می‌کند. این سه محور به صورت ارگانیک پیوند خورده‌اند و تصویر منسجمی از موسیقی خیابانی به‌منابه اکوسیستمی حیاتی ارائه می‌دهند که ضمن مواجهه با چالش‌های معیشتی ساختاری، نقشی بنیادین در تولید فضای شهری و ارتقای کیفیت زندگی عمومی دارد.

بر اساس این یافته‌ها، پژوهش با بهره‌گیری از روش سناریوسازی مبتنی بر منطق شهودی، پنج آینده محتمل برای توسعه موسیقی خیابانی در تهران ترسیم کرده است. نتیجه‌گیری راهبردی پژوهش بر ضرورت گذار از رویکردهای سنتی و از بالا به پایین برنامه‌ریزی شهری و حرکت به سوی سیاست‌های مکان‌محور و مردم‌محور تأکید دارد. این مطالعه ضمن تعمیق دانش نظری درباره موسیقی خیابانی در تهران، ابزاری عملی و راهبردی برای سیاست‌گذاران حوزه‌های فرهنگی و برنامه‌ریزی شهری فراهم می‌کند.

نحوه استناد به این مقاله:

جهان آبادی، سید مهرشاد و عسگری، عطیه. سناریوسازی بر اساس خوانش تجربه موزیسین‌های خیابانی در فضاهای شهری شهر تهران. گفتمان طراحی شهری مروری بر ادبیات و نظریه‌های معاصر، ۶ (۴): ۳۳-۵۱.

۱. گروه شهرسازی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. گروه شهرسازی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

واژه‌های کلیدی: اکوسیستم شهری، سناریوسازی، منظر صوتی، هویت مکانی، تعاملات اجتماعی.

* نویسنده مسئول:

دکتر عطیه عسگری

نشانی: گروه شهرسازی، واحد تهران جنوب، دانشگاه

آزاد اسلامی، تهران، ایران.

ایمیل: a_asgari@azad.ac.ir

تاریخ مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۷/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۲۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۹/۲۲

۱. این مقاله مستخرج از: (تدوین الگوی مؤلفه‌های فردی - اجتماعی کیفیت زندگی در فضای عمومی شهری با رویکرد ارتقای شاخص‌های توسعه شهری مورد پژوهش: میدان تجریش شهر تهران) رساله دکتری شهرسازی خانم مناصری در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس به راهنمایی دکتر حمیدرضا صرامی و مشاوره دکتر ارش بندادی می‌باشد.

حق چاپ © ۲۰۲۵، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس. این مقاله با دسترسی آزاد تحت شرایط مجوز بین‌المللی 4.0 Creative Commons Attribution-NonCommercial منتشر شده است که به اشتراک‌گذاری (کپی و توزیع مجدد مطالب در هر رسانه‌ای قالبی) و انطباق (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را اجازه می‌دهد.

۱. مقدمه

موسیقی خیابانی به‌عنوان یک اکوسیستم زنده در بطن ساختار شهری، نمودی از عدالت فضایی، تحرکات اقتصادی و تنوع فرهنگی است که هویت کلان‌شهر را به تصویر می‌کشد (Shapiro, 2023). در این دیدگاه اکولوژیک، خیابان همچون «سمفونی شهری» تلقی می‌شود (Zakharova et al., 2025)؛ فضایی که ریتم‌های ترافیک، جریان عابران، فعالیت‌های تجاری و اجرای هنرمندان خیابانی گاهی در هارمونی، گاهی چندریتمی و گاهی در تضاد با یکدیگر آمیخته می‌گردند (Chen, 2024; Lefebvre, 2004). بنابراین، وقتی خیابان را به مثابه سمفونی چندصدایی شهر بشناسیم، بعد شنیداری آن برجسته‌تر می‌شود (Ozturk et al., 2025)؛ اجراهای خیابانی با افزودن لایه‌ای فرهنگی-زیباشناختی به «منظر صوتی» شهر، کیفیت تجربه شهری را از طریق طراحی هوشمندانه آکوستیک ارتقا می‌دهند (Schafer, 1994). از این منظر طراحی آکوستیکی منظر صوتی (Bar-Sinai, 2023)؛ داده‌های نوین میدانی نشان می‌دهد که حضور «باسکینگ» همراه با مشارکت فعال مخاطبان، برداشت شهروندان از فضا را به شکلی «دوست‌داشتنی» و «درمانگر» و همچنین مطلوب‌تر از منظر صوتی تغییر می‌دهد (Ho & Szubielska, 2024). این تقویت تجربه شنیداری مشارکتی، در ساحت فرهنگی و اجتماعی به تولید لحظات «لیمینال» منجر می‌شود؛ لحظاتی که تعاملات گذرا، اجتماعات موقت و حس هم‌زیستی را پدید می‌آورند (Simpson, 2011). این ویژگی‌های شاخص تجربه زیسته، تفاوت بنیادی میان باسکینگ و تکدی را مشخص می‌سازد (Chang, 2022)؛ اول، کنشی هنری-اجتماعی با ارزش‌های فرهنگی و تأثیرگذار در زیبایی‌شناسی محیط (Pylypchuk & Polubok, 2025) و دوم، رفتاری فردی مبتنی بر نیاز که فاقد این ارزش‌های زیبایی‌شناختی و اجتماعی است (Ho & Au, 2021).

این مقاله با تمرکز بر تهران، شهری بزرگ و متراکم از نظر جمعیت، دارای تنوع فرهنگی چشمگیر و مواجهه با چالش‌های اقتصادی و نهادی، تجربه‌های زندگی روزمره موزیسین‌های خیابانی را به‌عنوان کنشگرانی که «فضا را خلق می‌کنند» در کانون بررسی قرار داده است (Lefebvre, 1991). این افراد با استفاده از بداهه‌نوازی، انطباق با قواعد موجود و تعامل مستمر با مخاطبان، فضاهای صرفاً فیزیکی را به محیط‌هایی با ابعاد اجتماعی و فرهنگی بدل می‌سازند (Wees, 2017). بر این اساس، بازکاوی این تجربیات می‌تواند زمینه‌ساز طراحی سیاست‌ها و مداخلاتی شود که فراتر از جنبه‌های کالبدی، بر ابعاد صوتی، اجتماعی و فرهنگی زندگی شهری تمرکز دارد (Van der Hoeven, 2022; Fakhrahmad, 2018; Adam, 2018; Hitters, 2019). در این راستا، پژوهش حاضر سه بُعد تحلیلی مرتبط با تهران را دنبال می‌کند که در مقدمه نیز به‌عنوان چارچوب تحلیلی ما معرفی

شده‌اند: نخست، پیوستار اقتصادی که موسیقی خیابانی را از منظر فرصت‌های کسب درآمد و دریافت انعام، جلب مخاطب و گردشگر محلی، ارتباط با اقتصاد شبانه و اثرات متقابل بر کسب‌وکارهای اطراف مورد ارزیابی قرار می‌دهد (Ospina Gallego et al., 2024)؛ همچنین هزینه‌های نهادی مرتبط با مجوزها، اختراها و جریمه‌ها را می‌سنجد. این بُعد بر اساس ادبیات «شهر موسیقایی» و توصیه‌های حکمرانی مرتبط - از قبیل فعالیت‌های دفتر موسیقی، تعیین مناطق مجاز و اجرای اصل «عامل تغییر» - سازماندهی شده است تا نشان دهد چگونه تنظیمات هوشمندانه می‌توانند هم تضادهای کاهش داده و هم زنجیره ارزش موسیقی زنده را تقویت کنند (IFPI & Music Canada, 2015; Van der Hoeven & Hitters, 2019).

دومین بستر تحلیل، محور اجتماعی است که به کیفیت مواجهه روزمره می‌پردازد؛ این شامل ارزیابی تعاملات کوتاه‌مدت، حس تعلق به مکان، ادراک ایمنی و سطح پذیرش در محیط همسایگی می‌شود (Lund & Jørgensen, 2024) و همچنین توانایی اجراهای خیابانی در ایجاد «جامعه‌های موقت». در این زمینه، شاخص‌های ادراک محیطی مانند «قابلیت دید و دسترسی» و «توانایی بازخوانی روانی فضا» برای کمی‌سازی تأثیرات اجتماعی حضور باسکینگ به کار می‌روند (Simpson, 2011)؛ سومین بُعد، پیوستار فرهنگی است که جایگاه موسیقی خیابانی را در شکل‌دهی هویت مکان، تولید «نشانه‌های صوتی» و غنی‌سازی «منظر صوتی» شهر، به همراه هم‌نشینی آن با ریتم‌های منظم و ترکیبی زندگی شهری، برجسته می‌کند (Tartia, 2023). در این بستر، «ترجیحات» به‌عنوان خروجی‌های زیباشناختی-فرهنگی و نیز متغیرهایی متصل به اقتصاد توجه و تقاضا تحلیل می‌شوند (Schafer, 2024; Ho & Szubielska, 2004; Lefebvre, 1994). از منظر نقد مکان‌مندی، پیکربندی فضایی-آکوستیکی تعیین می‌کند کدام «صحنه‌های شهری» شرایط هم‌نوازی را فراهم می‌کنند و کدام‌یک بالقوه موجب تنش می‌شوند (Derbal & Rahmane, 2024). شاخص‌هایی مانند بازتاب و پژواک، شدت و نشت صوت، نسبت سیگنال به نویز و الگوهای حرکتی عابران (جذب یا عبور) هم‌زمان بر اثربخشی اجرا تأثیرگذارند (Agbeniyi & Olaosebikan, 2024). شواهد میدانی از بافت‌های تاریخی متراکم نشان می‌دهد که ادغام ارزیابی میدانی صوت با تحلیل فضای کالبدی هنگامی که «محصولیت فیزیکی» با «کریدورهای پرتردد» هم‌نشینی می‌شود (Barone & Casazza, 2024)، می‌تواند هم موجب تولید صدای باکیفیت و هم افزایش ریسک تعارض شود؛ موضوعی که در طراحی سیاست‌های مکان‌محور برای تهران اهمیت حیاتی دارد (Clua, Llorca-Bofi, & Psarra, 2020). بر این اساس، مطالعه حاضر با تکیه بر سه بستر اقتصادی، اجتماعی

اهمیت بنیادین دارد؛ به گونه‌ای که شهر به مثابه محلی است برای تلاقی ریتم‌های چرخه‌ای (روز و شب، فصل‌ها)، خطی (کار، ترافیک، روندهای اجتماعی-اقتصادی) و ترکیبی (Tartia, 2023). موسیقی خیابانی نیز بر مبنای جایگاهش در این زمینه می‌تواند در قالب یوریتیمیک (هماهنگ)، پلی‌ریتمیک (چندریتمی خلاقانه) یا آریتمیک (ناهماهنگ) ظاهر شود (Lefebvre, 2016; Cresswell, 2004). بنابراین، اجراهای خیابانی لحظاتی را خلق می‌کنند که توانمندی‌های اجتماعی-فرهنگی شهر را عیان می‌سازند و همزمان تضادهای اقتصادی-نهادی چون حق سکونت و اجرا، و تعادل میان نظم صوتی و آزادی بیان را به نمایش می‌گذارند (IFPI & Van der Hoeven & Hitters, 2019; Music Canada, 2015).

در چارچوب زندگی روزمره، موسیقی خیابانی به مثابه یک «تاکتیک» شناخته می‌شود؛ مداخله‌ای خلاقانه که نظم رسمی فضا را می‌شکند و «لحظات لیمینال» خلق می‌کند (Ho, 2023). این وقفه‌ها در جریان روزمره فرصت مواجهه‌های دموکراتیک، روابط گذرا و شکل‌گیری «اجتماع‌های موقت» را فراهم می‌آورند (Simpson, 2011; de Certeau, 1984). پژوهش قوم‌نگاری اجراها نشان می‌دهد که باسکرها از طریق بداهه‌پردازی، انطباق با ریتم‌های عبوری و پاسخ به محدودیت‌های حقوقی و آکوستیکی، پیوسته در حال «اسمبلژ» کردن صحنه و مخاطب هستند (Wees, 2018; Adam, 2017). این ویژگی‌ها مرز اساسی میان باسکینگ و تکدی را مشخص می‌کنند: باسکینگ کنشی هنری-اجتماعی با ارزش فرهنگی و کارکرد اجتماعی-آکوستیکی است؛ در حالی که تکدی عمدتاً رفتاری مبتنی بر نیاز فردی بوده و فاقد آن ارزش‌های زیباشناختی و اجتماعی می‌باشد (Ho & Au, 2021).

در ارزیابی ادراک محیطی، سه شاخص کلیدی برای فضاهای عمومی مطرح شده‌اند: «قابلیت دید و دسترسی»، «توانایی بازخوانی» و «ترجیحات» (Wang & Li, 2024). هر سه ارتباطی تنگاتنگ با ابعاد اجتماعی-فرهنگی دارند، اما «ترجیحات» با اقتصاد توجه و الگوهای تقاضا نیز پیوند می‌خورند؛ زیرا فضاهای ترجیح داده شده مخاطبان و گردش سرمایه را جذب می‌کنند (Ho & Szubielska, 2024; Florida, 2002). به موازات این، ادبیات «شهر موسیقایی» نشان می‌دهد که موسیقی زنده، چه در خیابان و چه در سالن‌های کوچک، علاوه بر ایجاد اشتغال و برند شهری، سرمایه اجتماعی، حس تعلق و هویت مکان را تقویت می‌کند؛ البته این تأثیر منوط به حکمرانی هوشمند، شامل مجوزدهی تسهیل‌گر، «اصل عامل تغییر» و سازوکارهای میانجی‌گری با کسبه و ساکنان است (Domínguez & Tomás, 2025; IFPI & Music Canada, 2015; Van der Hoeven & Hitters, 2019; Ballico & Carter, 2021). از منظر مکان‌مندی، پیکربندی فضایی-آکوستیکی مشخص می‌کند

و فرهنگی و بر پایه نظریه‌های منظر صوتی و طراحی آکوستیکی (Schafer, 1994)، تحلیل ریتم‌شناسی و تولید فضا (Lefebvre, 2004, 1991) و تاکتیک‌های زندگی روزمره، به تدوین سناریوهای مکان‌مند و مبتنی بر تجربه در تهران می‌پردازد؛ سناریوهایی که اجرای خیابانی را فراتر از نقش محدود «سرگرمی» یا «منبع درآمد» تعریف کرده و آن را به ابزاری برای طراحی آکوستیکی مکان‌محور، تقویت هم‌زیستی اجتماعی و حکمرانی فرهنگی حساس به مکان در فضاهای عمومی تبدیل می‌کنند (IFPI & Music Canada, 2015). از این رو، مطالعه تجربه موزیسین‌های خیابانی می‌تواند به‌عنوان نقطه‌شروعی برای سناریوسازی شهری در نظر گرفته شود؛ رویکردی که امکان بازاندیشی آینده‌های ممکن فضاهای عمومی را نه تنها از نگاه کالبدی، بلکه از منظر شنیداری، اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌آورد.

۲. مبانی نظری

موسیقی خیابانی را می‌توان در قالب مفهوم «اکوسیستم درون اکوسیستم» بررسی کرد (Clua, Llorca-Bofí, & Psarra, 2020)؛ به این معنی که این اجراها تنها بخشی از اکوسیستم وسیع موسیقی شهری نیستند، بلکه بازتاب‌دهنده کیفیت کلی حیات شهردان (Lin, Wang, & Lin, 2024). حضور یا فقدان باسکرها نشانه‌ای از تعادل میان عدالت فضایی، پویایی اقتصادی و تنوع فرهنگی در شهر است (Shapiro, 2023). در چارچوب همین نگرش اکولوژیک، خیابان به مثابه «سمفونی شهری» درک می‌شود (Xu et al., 2024)؛ جایی که ریتم‌های ترافیک، جریان عابران، فعالیت‌های تجاری و اجراهای خیابانی گاه در هم‌آوایی، گاه چندریتمی و گاه ناهمگون با هم ترکیب شده و تجربه فضایی شهروندان را دگرگون می‌سازند (Chan, 2024; Lefebvre, 2004). از دیدگاه شنیداری، شافر با تأکید بر مفهوم «منظر صوتی» و «طراحی آکوستیکی» نشان داد که صدا صرفاً یک پدیده فیزیکی نیست، بلکه بعدی هویتی از مکان است که می‌توان با طراحی آکوستیک هوشمندانه، کیفیت تجربه شهری را بهبود بخشید (Schafer, 1994). ادامه این رویکرد در مطالعات منظر صوتی شهری نشان می‌دهد که افزودن «صوت‌نشان‌ها» یا «ساندمارک‌ها» به فضا-از جمله از طریق اجراهای خیابانی- می‌تواند نسبت سیگنال به نویز ادراک شده را بهبود دهد، خستگی شنیداری را کاهش دهد و حافظه جمعی مکان را تقویت کند (Ho & Szubielska, 2024; Truax, 2001; Kang & Schulte-Fortkamp, 2016). تحقیقات میدانی جدید نیز تأیید می‌کنند که حضور باسکینگ باعث می‌شود ادراک شهروندان از فضا «دلپذیرتر»، «ترمیم‌گر» و مطلوب‌تر از نظر صوتی گردد، البته به شرط مشارکت فعال مخاطبان (Ho & Szubielska, 2024). برای تحلیل پویایی چنین فضاهایی، نظریه ریتم‌شناسی لوفور

(۲۰۰۴)، شهر را محصول تلاقی ریتم‌های چرخه‌ای (روز و شب)، خطی (کار، ترافیک) و ترکیبی معرفی نمود و موسیقی خیابانی را به مثابه مداخله‌ای ریتمیک شناخت که می‌تواند با این ریتم‌ها هماهنگ، چندریتمی یا ناهماهنگ باشد (Wunderlich, 2013; Cresswell, 2016). این دیدگاه نشان داد که اجراهای خیابانی بخشی از فرآیند خلق فضای شهری به شمار می‌آیند و تجربه زیسته شهری را دگرگون می‌سازند. در کنار اینها، میشل دو سرتو در کتاب «تمرین زندگی روزمره» (۱۹۸۴) و به دنبال او سیمپسون (۲۰۱۱) موسیقی خیابانی را به چشم یک تاکتیک روزمره نگریسته‌اند که از طریق ایجاد «لحظات لیمینال» نظم رسمی شهر را دچار وقفه کرده و اجتماع‌های موقت و روابط گذرا را شکل می‌دهد؛ کنش‌هایی که شهر را به محیطی دموکراتیک‌تر و چندصداتر تبدیل می‌کنند. در دهه اخیر، پژوهش‌ها بیش‌تر به مواجهه‌ها و تجربه‌های موزیسین‌ها و مخاطبان معطوف شده‌اند. ویس (۲۰۱۷) در مطالعه قوم‌نگارانه خود درباره متروی مونت‌آل، اجراهای خیابانی را «اسمبلژهای خلاق» دانسته که همواره به گونه‌ای پویا با شرایط آکوستیکی، اجتماعی و نهادی سازگار می‌شوند. همچنین، تحقیقات هو و او (۲۰۲۱) بر تفاوت میان باسکینگ و تکدی تأکید دارند؛ نخستین یک کنش هنری-اجتماعی با ارزش فرهنگی و دومی بیشتر رفتاری مبتنی بر نیاز فردی است. هو و شویلسکا (۲۰۲۴) نیز نقش کلیدی «مخاطب درگیر» را برجسته کرده و نشان می‌دهند که وجود اجراهای خیابانی ادراک فضا را به تجربه‌ای دلپذیرتر و بازخواننده تبدیل می‌کند. از دیدگاه سیاست‌گذاری، گزارش IFPI & Music Canada (۲۰۱۵) و تحقیقات ون‌دروهن و هیتز (۲۰۱۹) بر ضرورت شکل‌گیری «شهرهای موسیقایی» تأکید دارند؛ راهبردی که موسیقی خیابانی را به عنوان جزئی از اقتصاد شبانه، برند شهری و سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند (Ballico & Carter, 2021). علاوه بر این، کلوآ و همکاران (۲۰۲۰) با ترکیب تحلیل چیدمان فضایی و سنجش صوتی در بافت تاریخی بارسلونا نشان دادند که پیکربندی فضایی-آکوستیکی شامل شدت صدا، پژواک و تراکم جمعیت تعیین‌کننده این است که کدام مکان‌ها بستر هم‌نوازی و کدام مکان‌ها زمینه‌ساز تعارض خواهند بود. مطالعات نوین نیز افق‌های تازه‌ای پیش روی پژوهشگران نهاده است؛ از تحلیل زیباشناختی و اقتصاد توجه (Florida, 2002; Thompson, 2002)، بررسی تنوع جنسیتی و تجربیات متفاوت باسکرها (Cohen, 2022; Lashua, 2023)، تا مطالعه تأثیر فناوری‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی در گسترش اجرای خیابانی (Baker, 2023; Prato, 2024). به طور کلی، این بدنه پژوهشی نشان می‌دهد که موسیقی خیابانی از یک پدیده حاشیه‌ای به ابزاری چندبُعدی در حوزه تحلیل و سیاست‌گذاری تبدیل شده است که هم جنبه‌های اقتصادی مانند اشتغال

کدام صحنه‌های شهری بستر مناسبی برای «هم‌نوازی» باسکینگ فراهم می‌کنند و کدام یک پتانسیل تنش دارند (Su, Ma, & Liu, 2025). شاخص‌هایی مانند بازتاب و پژواک، شدت و نشت صوت، نسبت سیگنال به نویز، جنس و بافت کالبدی، تراکم و الگوهای حرکت پیاده (جذب یا گذر) به طور هم‌زمان بر کیفیت اجرا اثر می‌گذارند. در بافت‌های تاریخی متراکم، مطالعات ترکیبی حاکی از این است که هم‌نشینی «محصوریت کالبدی» با «کریدورهای پرتدد» می‌تواند هم فرصت شنیداری باکیفیت ایجاد کند و هم ریسک تعارض را افزایش دهد؛ لذا سیاست‌های مکان‌حساس باید بر داده‌های فضایی-شنیداری استوار باشند (Clua, Llorca-Boff, & Psarra, 2020; Kang & Schulte-Fortkamp, 2016; Thompson, 2002). بر این اساس، سه‌گانه فضایی لوفور (کنش‌های فضایی، بازنمایی‌های فضا و فضاهای بازنمایی) چارچوبی منسجم برای تحلیل موسیقی خیابانی فراهم می‌آورد: اجراها نه تنها سطح کالبدی-کارکردی را دگرگون می‌کنند (چینش اجرا و مخاطب، جابه‌جایی‌های خرد)، بلکه بازنمایی‌های نهادی، از جمله قواعد صوتی، مناطق مجاز و زمان‌بندی را به چالش می‌کشند یا وفق می‌دهند و در نهایت لایه زیسته فضا را بازنویسی می‌کنند (معنا، خاطره، تعلق) (Lefebvre, 1991; Lefebvre, 2004). بنابراین، موسیقی خیابانی همچون «روایت فضایی» و «ریتم نو» در فرآیند سناریوسازی شهری عمل می‌کند؛ می‌تواند خلاقیت و فراگیری یوتوپایی را برانگیزد یا در غیاب حکمرانی حساس به مکان و مردم‌محور، منجر به سناریوهای محدودکننده و تعارض‌زا شود (Chan, 2024; IFPI & Music Canada, 2015; Van der Hoeven & Hitters, 2019).

۳. پیشینه پژوهش

مطالعات مربوط به موسیقی خیابانی طی پنج دهه اخیر روندی پیچیده و متنوع را پشت سر گذاشته‌اند؛ روندی که از رویکردهای کلاسیک صدا و منظر صوتی آغاز شده و به پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در حوزه‌هایی همچون سیاست‌گذاری شهری، اقتصاد خلاق، تنوع اجتماعی و فناوری‌های نوین توسعه یافته است. در آغاز این مسیر نظری، موری شافر با پروژه «World Soundscape Project» مفهوم «منظر صوتی» را مطرح کرد و صداهای محیطی را بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت مکان دانست؛ او بر ضرورت «طراحی آکوستیکی» جهت بهبود کیفیت شنیداری شهر تأکید نمود (Schafer, 1994). در این چارچوب، موسیقی خیابانی نه فقط فعالیتی هنری، بلکه نوعی «صوت‌نشانی» است که به ارتقای تجربه شنیداری شهر کمک می‌کند (Truax, 2016; Kang & Schulte-Fortkamp, 2001). هم‌زمان، هانری لوفور با ارائه نظریه‌های «تولید فضا» (۱۹۹۱) و «ریتم کاوی»

که پس از هر مصاحبه، فرد مصاحبه‌شونده فرد بعدی مرتبط را معرفی می‌کند. همچنین پژوهشگران از نوازندگان خیابانی فعال در تهران مصاحبه‌هایی انجام داده و دیدگاه‌های آنان را جمع‌آوری کردند. هدف از حجم نمونه، رسیدن به اشباع نظری است؛ یعنی ادامه نمونه‌گیری تا زمانی که داده‌های جدید اطلاعات یا دیدگاه تازه‌ای درباره موضوع ارائه ندهند. پژوهشگر پس از مصاحبه با نفر سی و پنجم به این مرحله رسید و برای افزایش اطمینان، مصاحبه‌ها تا نفر پنجاهم نیز ادامه یافت. مطالعه حاضر با رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوای کیفی اجرا شده که به شناسایی، تحلیل و تبیین الگوها و مضامین داده‌ها می‌پردازد؛ اگرچه در ساده‌ترین سطح، سازماندهی داده‌ها و توصیف جزئیات را شامل می‌شود، قابلیت تحلیل عمیق‌تر و شناخت ابعاد متنوع موضوع را نیز دارد. برای تحلیل داده‌های کیفی از نرم‌افزار MAXQDA استفاده شده که فرآیند استخراج و مدیریت داده‌ها را با دقت و کارآمدی افزایش می‌دهد. روایی پژوهش با رعایت نمونه‌گیری هدفمند گلوله‌برفی و ادامه نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری تضمین شده، به طوری که داده‌های جدید اطلاعات یا دیدگاه تازه‌ای ارائه نمی‌دهند. این امر سبب شده تحلیل مفاهیم بر اساس تجارب یگانه شرکت‌کنندگان (نوازندگان خیابانی تهران) کاملاً منطبق بر واقعیت‌های میدانی باشد و نتایج آن از اعتبار بالایی برخوردار گردد. استفاده از نرم‌افزار MAXQDA در کدگذاری و ساماندهی داده‌ها، دقت و شفافیت تحلیل را افزایش داده و خطاهای انسانی را کاهش داده است. پایایی نیز از طریق ثبت دقیق و جامع مراحل جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل نظام‌مند و تکرار شونده مصاحبه‌ها تا تعداد ۵۰ نفر، و استفاده از کدگذاری قابل بازبینی تضمین شده است. همچنین بهره‌گیری از رویکرد منطق شهودی در تحلیل داده‌ها، به تدوین سناریوهای محتمل و منسجم منجر شده که هر یک از نظر درونی سازگار بوده و بر شواهد میدانی مبتنی هستند، امری که اعتمادپذیری و ثبات یافته‌ها را تقویت می‌کند. بدین ترتیب، پژوهش از حیث روایی و پایایی ساختاری محکم و قابل اتکا دارد که نتایج آن بازتاب صحیحی از واقعیت‌های موضوع مطالعه است. سناریوهای پیش‌بینی شده، بازتابی از چند آینده ممکن هستند که بر اساس نیروهای محرک استخراج شده از داده‌های میدانی شکل گرفته‌اند. در این تحقیق از رویکرد منطق شهودی بهره گرفته شده تا به جای ارائه پاسخ قطعی، چند سناریوی ممکن و منسجم - که منظور روایت‌هایی از آینده مبتنی بر شواهد و مفروضات سازگار و بی‌تناقض است - برای تصمیم‌گیری‌های شهری ارائه شود. ابتدا داده‌های کیفی گردآوری و کدگذاری گردیدند و به مقوله‌های تحلیلی تبدیل شدند؛ سپس بر اساس این مقولات، پیش‌ران‌ها استخراج و با ماتریس اثرگذاری * عدم قطعیت دسته‌بندی شدند. براساس پیش‌ران‌های دارای اثرگذاری

گردشگری و اقتصاد شبانه، هم ابعاد اجتماعی چون حس تعلق، اجتماع‌های موقت و امنیت ادراک‌شده و هم جنبه‌های فرهنگی اعم از هویت مکانی، منظر صوتی و تنوع را دربر می‌گیرد. جمع‌بندی جدول ۱ نشان می‌دهد که پژوهش‌های مرتبط با موسیقی خیابانی طی چهار دهه گذشته، به تدریج از تمرکز بر منظر صوتی و طراحی آکوستیکی (دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰) به سمت مفاهیمی چون تولید فضا و تحلیل ریتم‌های شهری (۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰)، تاکتیک‌های روزمره در اشغال فضا (دهه ۱۹۸۰)، و فضاهای لیمنال و اجتماع موقت (۲۰۱۱) پیش رفته‌اند. در دو دهه اخیر، توجه به سیاست موسیقی شهری، اقتصاد خلاق و برند شهری، بدهاپردازی و خلاقیت سیال، پیکربندی فضایی-آکوستیکی و تمایز بین فعالیت‌های باسکینگ و تکدی افزایش یافته است. پژوهش‌های تازه‌تر نیز بر تجربه مخاطب، ریتم‌کاوی و تأثیر فناوری‌های نوین، مانند رسانه‌های دیجیتال در جنسیت و عدالت فرهنگی تأکید دارند. این روند نشان می‌دهد که دانش تولید فضا و منظر صوتی با تحولات اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیکی ترکیب شده و به درک عمیق‌تری از جایگاه موسیقی خیابانی در فضای شهری رسیده است. همچنین بینش فزاینده‌ای نسبت به چالش‌ها و فرصت‌های فعالیت‌های خیابانی، به ویژه در زمینه عدالت فرهنگی و جهانی‌شدن اجرا، شکل گرفته است. به طور کلی، پژوهش‌های اخیر پلی میان نظریه و کاربرد، و بین تحلیل مفهومی و تجربه عینی برقرار کرده‌اند که زمینه‌ساز فهم چندبعدی موسیقی خیابانی به‌عنوان پدیده‌ای پویا در فضای شهرهای معاصر است. این جمع‌بندی به‌عنوان بستر نظری و تاریخی این پژوهش، اهمیت تمرکز بر نقش کنشگران خیابانی در تولید فضای شهری و تأثیرات گسترده فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن‌ها را تأکید می‌کند.

۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی با رویکردی اکتشافی و به شیوه مقطعی طراحی شده است. داده‌ها به صورت کیفی گردآوری شده و تحلیل محتوای قراردادی به‌عنوان روش اصلی به کار گرفته شده است. داده‌های توصیفی از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی تأمین شده‌اند. تحلیل محتوای کیفی، زیرشاخه‌ای از روش‌های کیفی، برای دسته‌بندی واژگان به موضوعات مرتبط به کار می‌رود تا بررسی شود آیا این طبقات مفاهیم مشابهی را دربرمی‌گیرند یا خیر. مزیت اصلی تحلیل محتوای قراردادی در این است که استخراج دانش بر پایه تجارب منحصر به فرد شرکت‌کنندگان انجام می‌شود و نظریه یا دسته‌بندی‌های پیشین در آن موثر نیستند. شرکت‌کنندگان این پژوهش نوازندگان خیابانی سطح شهر تهران هستند که به روش نمونه‌گیری هدفمند گلوله‌برفی انتخاب شده‌اند؛ به این صورت

مراحل انجام تحلیل کیفی محتوا

مراحل پنج‌گانه تحلیل محتوا در ادامه به شرح آمده‌اند. این تحلیل کیفی، فرایند فرایندی چرخه‌ای و بازگشتی است که در آن امکان بازگشت به مراحل قبلی و پیشروی به مراحل بعدی به‌طور مداوم وجود دارد. افزون بر این، تحلیل کیفی محتوا در بازه زمانی مشخصی انجام می‌گیرد. مراحل اجرای این تحلیل به شرح زیر است:

مرحله اول آشنایی با داده‌ها

برای آشنایی جامع و دقیق محقق با گستره و عمق محتوای داده‌ها، ضروری است که تا حد قابل توجهی در آنها فرو رود و وارد فرایند غوطه‌وری شود. این غوطه‌وری معمولاً شامل بازبینی مکرر داده‌ها و مطالعه‌ای فعال است؛ به‌نحوی که معناها و الگوهای پنهان در متن جستجو و کشف گردد. در این مرحله، شاخص‌های مربوط به تجربه‌های نوازندگان خیابانی از خلال متون مصاحبه‌ها شناسایی و استخراج می‌شود.

مرحله دوم ایجاد کدهای اولیه

مرحله دوم زمانی آغاز می‌شود که محقق پس از مطالعه و آشنایی کامل با داده‌ها، به کدگذاری اولیه آنها می‌پردازد. در این مرحله، کدها نمایانگر ویژگی‌هایی از داده‌ها هستند که تحلیل‌گر آنها را جذاب می‌داند. باید توجه داشت که واحدهای کدگذاری شده، با واحدهای تحلیل تفاوت دارند. مهم‌ترین نکته این است که تمامی خلاصه‌های داده‌ها کدگذاری شده و هر یک بر اساس کد مربوطه سازماندهی می‌شوند. در این فرایند، شاخص‌های مرتبط با هدف مطالعه درباره تجربیات موزیسین‌های خیابانی استخراج می‌گردد. همچنین، به منظور افزایش دقت و کارایی در تحلیل داده‌های کیفی این پژوهش، نرم‌افزار MAXQDA مورد استفاده قرار گرفته است.

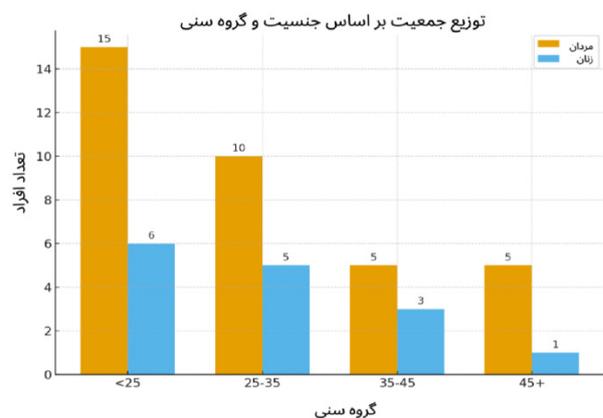
مرحله سوم جستجوی مقوله‌ها

در این مرحله، کدهای گوناگون در قالب مقوله‌های احتمالی طبقه‌بندی شده و خلاصه‌های داده‌های کدگذاری شده در چارچوب این مقوله‌ها سازماندهی می‌گردند. به عبارت دیگر، محقق با آغاز تحلیل کدها به بررسی و تفکر درباره نحوه ترکیب آنها برای شکل‌دادن به مقوله‌ای جامع می‌پردازد. ضمن این فرایند، با انجام غربالگری، حذف کدهای تکراری و ادغام کدهای هم‌معنی، شاخص‌های استخراج شده از متون مصاحبه‌ها به صورت منسجم و دسته‌بندی شده مرتب می‌شوند.

و عدم قطعیت بالا، دو عدم قطعیت بحرانی انتخاب و «فضای سناریو» به صورت ماتریس ۲×۲ شکل گرفت؛ نهایتاً برای هر خانه ماتریس، روایت‌های سناریویی تدوین شده و شاخص‌های پایش و هشدار برای رصد وقوع آنها تعیین گردید. پارادایم پژوهش تفسیری-انتقادی است؛ در رویکرد تفسیری، هدف فهم تجربه‌های زیسته و معانی اجتماعی است که موزیسین‌های خیابانی در تعامل با فضا خلق می‌کنند و در رویکرد انتقادی، سازوکارهای قدرت، سیاست‌های شهری و نابرابری‌های فرهنگی تحلیل شده و به بازاندیشی در حکمرانی فضاهای عمومی می‌انجامد. این ترکیب پارادایمی امکان تفسیر ژرف تجربه‌های فردی و همزمان نقد نظام‌مند سازوکارهای نهادی را فراهم ساخته و به تدوین سناریوسازی شهری مبتنی بر عدالت فضایی، تنوع فرهنگی و پویایی اجتماعی منجر می‌شود.

۵. تحلیل یافته‌ها

داده‌های توصیفی: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه مورد مطالعه به شرح زیر است: از نظر جنسیت، ۳۵ نفر مرد و ۱۵ نفر زن حضور داشته‌اند. از لحاظ گروه سنی، در بین بانوان، ۶ نفر کمتر از ۲۵ سال، ۵ نفر در بازه ۲۵ تا ۳۵ سال، ۳ نفر در بازه ۳۵ تا ۴۵ سال و ۱ نفر بالای ۴۵ سال هستند. همچنین در بین مردان، ۱۵ نفر کمتر از ۲۵ سال، ۱۰ نفر بین ۲۵ تا ۳۵ سال، ۵ نفر بین ۳۵ تا ۴۵ سال و ۵ نفر بالای ۴۵ سال سن دارند. این توزیع نشان‌دهنده تمرکز بیشتر مردان در گروه‌های سنی پایین‌تر و متوسط است و حضور چشمگیر گروه‌های جوان در هر دو جنس را نمایان می‌سازد که می‌تواند در تحلیل ویژگی‌های جمعیتی و رفتاری پژوهش مؤثر باشد. این توزیع جمعیتی با مطالعات مشابه در حوزه موسیقی خیابانی تهران همخوانی دارد که حضور پررنگ جوانان و تنوع سنی را به‌عنوان یکی از مشخصه‌های مهم این حوزه معرفی کرده‌اند.



شکل ۱. توزیع جمعیت بر اساس جنسیت و گروه (یافته‌های پژوهش)

جدول ۱. کدگذاری اولیه مقوله اقتصادی (یافته‌های پژوهش)

کدهای توصیفی	کدگذاری اولیه (مقوله اقتصادی)
سازوکارهای درآمدی و الگوهای کسب معاش	<ul style="list-style-type: none"> • میزان انعام در فضاهای مختلف شهری • تأثیر ابزار برقی یا آکوستیک بر درآمد • تأثیر حضور گروهی یا فردی بر درآمد
فروش محصولات جانبی	<ul style="list-style-type: none"> • فروش CD یا سایر آثار موسیقی • فروش یادگاری‌ها و وسایل تبلیغاتی • همکاری با کسب‌وکارهای محلی
درآمد از اجراهای خصوصی	<ul style="list-style-type: none"> • کسب‌وکار برای رویدادهای خصوصی - استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای جذب اجراهای خصوصی • درآمد از پروژه‌های موسیقی: - همکاری با نوازندگان دیگر - تدریس موسیقی
ریسک نوسانات درآمدی	<ul style="list-style-type: none"> • تأثیر شرایط آب و هوایی بر درآمد • تأثیر حضور رقبا • تأثیر رویدادهای شهری.
هزینه‌های تجهیزات و نگهداری	<ul style="list-style-type: none"> • هزینه خرید و نگهداری سازها • هزینه حمل و نقل تجهیزات
ریسک‌های امنیتی و قانونی	<ul style="list-style-type: none"> • ریسک مصادره‌ی تجهیزات توسط مأموران • پرداخت جریمه یا رشوه
سرمایه‌ی نمادین و اقتصادی (اثر شهرت و اعتبار)	<ul style="list-style-type: none"> • افزایش درآمد با افزایش شهرت. • کسب اعتبار و فرصت‌های جدید.
تبدیل فضای شهری به یک صحنه‌ی بازاریابی	<ul style="list-style-type: none"> • تبلیغ برای کسب‌وکارهای خود در فضای مجازی. • نمایش مهارت و جذب مخاطب.
همکاری با سایر موزیسین‌ها	<ul style="list-style-type: none"> • تشکیل گروه • اشتراک‌گذاری تجربیات.
همکاری با کسب‌وکارهای محلی	<ul style="list-style-type: none"> • مشارکت با فروشگاه‌ها و کافه‌ها. • تبلیغات برای کسب‌وکارهای محلی در ازای حمایت‌های مالی یا سایر مزایا.
شبکه‌سازی و جذب فرصت‌ها	<ul style="list-style-type: none"> • ارتباط با برگزارکنندگان رویدادها • دریافت حمایت و پشتیبانی از هنرمندان بزرگ‌تر • برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری در تجهیزات و توسعه‌ی مهارت‌ها.
مهارت‌های ارتباطی و جذب مخاطب	<ul style="list-style-type: none"> • جذب توجه مردم • تعامل با تماشاگران
نوآوری و خلاقیت در کسب درآمد	<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد تمایز • استفاده از فناوری‌های جدید • ساخت موسیقی اختصاصی.

جدول ۲. کدگذاری اولیه مقوله اجتماعی (یافته‌های پژوهش)

کدهای توصیفی	کدگذاری اولیه (مقوله اجتماعی)
روابط با مخاطبان و تماشاگران	<ul style="list-style-type: none"> • نقش بازخورد و واکنش‌های مردمی • ایجاد حس تعلق به جامعه‌ی شهری • تبدیل مخاطب به حامی • مخالفت‌ها و تنش‌ها
روابط با سایر موزیسین‌های خیابانی:	<ul style="list-style-type: none"> • رقابت و همبستگی • ایجاد شبکه‌های حمایتی • تشکیل گروه‌ها و اجراهای مشترک
هویت سازی و معناداری	<ul style="list-style-type: none"> • هویت‌سازی از طریق سبک و ژانر موسیقی • تأثیر موسیقی بر هویت شهری • موسیقی به‌عنوان ابزار ابراز وجود
تأثیر بر تصور عمومی:	<ul style="list-style-type: none"> • تغییر نگاه جامعه به موزیسین‌ها • نقش رسانه‌ها در شکل‌دهی به تصویر عمومی
فضاهای عمومی به‌عنوان صحنه‌ی نمایش	<ul style="list-style-type: none"> • نقش فضاهای شهری در تعاملات اجتماعی • تأثیر طراحی فضا بر نوع اجرا • تأثیر "نقطه‌ی اجرا" بر مخاطب
قوانین و محدودیت‌ها:	<ul style="list-style-type: none"> • تأثیر مقررات شهری بر اجرا • مقابله با محدودیت‌ها • تنش‌ها و درگیری‌ها با مأموران
طرد اجتماعی و نگاه منفی:	<ul style="list-style-type: none"> • تأثیر نگاه‌های منفی و قضاوت‌ها • برچسب‌زنی • عدم به رسمیت شناختن
ریسک‌های امنیتی:	<ul style="list-style-type: none"> • خطر سرقت و دزدی • خطر آزار و اذیت • درگیری‌ها با سایر افراد
تأثیر روانی و عاطفی بر موزیسین‌ها:	<ul style="list-style-type: none"> • افسردگی و اضطراب. • احساس تنهایی. • انزوای اجتماعی.
حمایت از طریق رسانه‌های رسمی:	<ul style="list-style-type: none"> • نقش رسانه‌ها در حمایت از موزیسین‌ها. • ایجاد برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی. • حمایت مالی و معنوی.

جدول ۳. کدگذاری اولیه مقوله فرهنگی (یافته‌های پژوهش)

کدهای توصیفی	کدگذاری اولیه (مقوله فرهنگی)
انتقال و ترویج دانش و مهارت	<ul style="list-style-type: none"> نقش آن‌ها در آموزش غیررسمی موسیقی. تبدیل فضاهای عمومی به کلاس‌های درس تأثیر آن‌ها بر یادگیری موسیقی در کودکان
تأثیر بر نسل‌های آینده	<ul style="list-style-type: none"> تشویق به خلاقیت و نوآوری الهام‌بخش بودن برای هنرمندان جوان ایجاد یک مسیر شغلی جدید
هویت فرهنگی و محلی	<ul style="list-style-type: none"> تأثیر آن‌ها بر هویت یک محله یا شهر موسیقی خیابانی و گردشگری فرهنگی موسیقی به‌عنوان صدای یک جامعه
موسیقی و بازسازی حافظه جمعی	<ul style="list-style-type: none"> نقش موسیقی در زنده نگه‌داشتن خاطرات موسیقی به‌عنوان یک سند تاریخی تأثیر آن‌ها بر فرهنگ یک نسل

مرحله چهارم بازبینی مقوله‌ها

مرحله چهارم زمانی آغاز می‌شود که محقق مجموعه‌ای از تم‌ها را شکل داده و آن‌ها را به دقت مورد بازنگری قرار می‌دهد. این مرحله شامل دو زیرفرآیند بازبینی و پالایش تم‌ها است؛ ابتدا تم‌ها در سطح خلاصه‌های کدگذاری شده بررسی می‌شوند و سپس اعتبار آن‌ها در ارتباط با کل داده‌ها سنجیده می‌گردد. در صورتی که نقشه مقوله‌ها هماهنگی لازم با داده‌ها را نداشته باشد، می‌توان به مرحله بعدی گذر کرد، اما در غیر این صورت، محقق ناچار است فرآیند کدگذاری را تکرار و اصلاح کند تا نقشه‌ای رضایت‌بخش حاصل شود. پایان این مرحله مستلزم شناخت کامل محقق از مقوله‌های مختلف، نحوه ارتباط آن‌ها با یکدیگر و ساختار کلی داستانی است که از داده‌ها استخراج می‌شود. در این بازبینی مجدد، شاخص‌های به دست آمده پس از مقوله‌بندی اولیه پالایش شده و موارد زائد یا فاقد ارزش معنایی برای ارائه الگوی پژوهش حذف می‌گردد. همچنین برای حفظ محرمانگی اطلاعات مصاحبه‌شونده‌ها، هر مصاحبه با کد «MIX» مشخص شده است؛ «M» نمایانگر مصاحبه، «I» شماره مصاحبه و «X» نشان‌دهنده شماره کد اولیه استخراج شده از متن مصاحبه است.

جدول ۴. کدگذاری بازبینی مقوله‌ها (یافته‌های پژوهش)

مفاهیم	کدهای توصیفی	مراجع
انتقال و ترویج مهارت	<ul style="list-style-type: none"> تشویق به خلاقیت و نوآوری الهام‌بخش بودن برای هنرمندان جوان نقش موسیقی در زنده نگه‌داشتن خاطرات موسیقی به‌عنوان یک سند تاریخی تأثیر آن‌ها بر فرهنگ یک نسل 	$\{M_{47,32}\}$ $\{M_{3,4}\}$ $\{M_{32,12}\}$ $\{M_{38,20}\}$ $\{M_{1,4}\}$ $\{M_{48,30}\}$ $\{M_{25,21}\}$ $\{M_{2,6}\}$ $\{M_{35,40}\}$ $\{M_{5,9}\}$ $\{M_{5,3}\}$ $\{M_{19,9}\}$ $\{M_{17,35}\}$ $\{M_{7,3}\}$ $\{M_{23,49}\}$ $\{M_{8,3}\}$
رسمک‌های آستین و طراری اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> تأثیر نگاه‌های منفی و قضاوت‌ها برچسب‌زنی عدم به رسمیت شناختن خطر سرقت و دزدی خطر آزار و اذیت درگیری‌ها با سایر افراد 	$\{M_{37,12}\}$ $\{M_{8,4}\}$ $\{M_{27,22}\}$ $\{M_{48,30}\}$ $\{M_{7,4}\}$ $\{M_{47,30}\}$ $\{M_{35,74}\}$ $\{M_{5,6}\}$ $\{M_{35,74}\}$ $\{M_{19,9}\}$ $\{M_{3,3}\}$ $\{M_{9,22}\}$ $\{M_{23,9}\}$ $\{M_{8,3}\}$ $\{M_{27,36}\}$ $\{M_{1,3}\}$
محدودیت‌ها و تصور عمومی	<ul style="list-style-type: none"> تأثیر مقررات شهری بر اجرا مقابله با محدودیت‌ها تش‌ها و درگیری‌ها با مأموران تغییر نگاه جامعه به موزیسین‌ها نقش رسانه‌ها در شکل‌دهی به تصویر عمومی 	$\{M_{8,4}\}$ $\{M_{7,4}\}$ $\{M_{3,4}\}$ $\{M_{44,15}\}$ $\{M_{1,4}\}$ $\{M_{22,42}\}$ $\{M_{29,30}\}$ $\{M_{2,6}\}$ $\{M_{18,10}\}$ $\{M_{29,50}\}$ $\{M_{7,3}\}$ $\{M_{15,50}\}$ $\{M_{18,39}\}$ $\{M_{7,3}\}$ $\{M_{45,9}\}$ $\{M_{37,42}\}$ $\{M_{8,3}\}$ $\{M_{17,35}\}$ $\{M_{11,36}\}$ $\{M_{5,6}\}$ $\{M_{16,6}\}$ $\{M_{3,3}\}$ $\{M_{7,3}\}$ $\{M_{1,3}\}$
هویت فرهنگی و بازسازی حافظه جمعی	<ul style="list-style-type: none"> تأثیر موسیقی بر هویت یک محله یا شهر موسیقی خیابانی و گردشگری فرهنگی موسیقی به‌عنوان صدای یک جامعه نقش موسیقی در زنده نگه‌داشتن خاطرات موسیقی به‌عنوان یک سند تاریخی تأثیر موزیسین‌ها بر فرهنگ یک نسل 	$\{M_{21,71}\}$ $\{M_{22,2}\}$ $\{M_{23,3}\}$ $\{M_{40,32}\}$ $\{M_{43,32}\}$ $\{M_{25,3}\}$ $\{M_{11,45}\}$ $\{M_{21,35}\}$ $\{M_{24,4}\}$ $\{M_{47,21}\}$ $\{M_{50,41}\}$ $\{M_{16,5}\}$ $\{M_{28,49}\}$ $\{M_{36,29}\}$ $\{M_{15,6}\}$ $\{M_{16,33}\}$ $\{M_{41,33}\}$ $\{M_{12,7}\}$ $\{M_{23,45}\}$ $\{M_{39,45}\}$ $\{M_{11,8}\}$ $\{M_{28,28}\}$ $\{M_{27,4}\}$ $\{M_{10,9}\}$ $\{M_{33,50}\}$ $\{M_{15,41}\}$ $\{M_{13,10}\}$ $\{M_{14,11}\}$ $\{M_{18,12}\}$ $\{M_{20,13}\}$ $\{M_{21,15}\}$
روابط با مخاطبان و خلاقیت	<ul style="list-style-type: none"> نقش بازخورد و واکنش‌های مردمی ایجاد حس تعلق به جامعه‌ی شهری تبدیل مخاطب به حامی مخالفت‌ها و تش‌ها ایجاد تمایز استفاده از فناوری‌های جدید ساخت موسیقی اختصاصی. 	$\{M_{17,22}\}$ $\{M_{19,74}\}$ $\{M_{23,25}\}$ $\{M_{24,2}\}$ $\{M_{2,22}\}$ $\{M_{42,22}\}$ $\{M_{2,22}\}$ $\{M_{25,13}\}$ $\{M_{26,11}\}$ $\{M_{17,30}\}$ $\{M_{26,11}\}$ $\{M_{16,30}\}$ $\{M_{5,8}\}$ $\{M_{7,4}\}$ $\{M_{25,18}\}$ $\{M_{3,1}\}$ $\{M_{1,4}\}$ $\{M_{39,12}\}$ $\{M_{10,19}\}$ $\{M_{9,6}\}$ $\{M_{39,36}\}$ $\{M_{21,6}\}$ $\{M_{12,3}\}$ $\{M_{50,32}\}$ $\{M_{15,3}\}$ $\{M_{20,3}\}$ $\{M_{24,6}\}$ $\{M_{22,3}\}$ $\{M_{8,25}\}$

فضا می‌آفرینند؛ درحالی‌که رویکرد انتقادی با تحلیل ساختارهای قدرت، سیاست‌های شهری و نابرابری‌های فرهنگی، به بازاندیشی در حکمرانی فضاهای عمومی می‌پردازد. این ترکیب پارادایمی، امکان تفسیر عمیق تجربه‌های فردی و درعین‌حال نقد سازوکارهای نهادی را فراهم می‌سازد تا سناریوسازی شهری بر پایه‌ی عدالت فضایی، تنوع فرهنگی و پویایی اجتماعی تحقق یابد.

جدول ۵. شرایط علی (علل پدیدآورنده) (یافته‌های پژوهش)

توضیحات	شرایط علی (علل پدیدآورنده)
انگیزه اقتصادی	کسب درآمد از طریق انعام، فروش محصولات و جذب اجراهای خصوصی
عوامل هویتی و وجودی	ابراز وجود از طریق موسیقی و هویت‌سازی بر مبنای سبک هنری
تبلیغ و بازاریابی	استفاده از فضای عمومی برای نمایش مهارت‌ها و تبلیغ برند شخصی و محصولات
عشق به هنر	علاقه به موسیقی و میل به اجرا در فضاهای شهری

جدول ۶. شرایط زمینه‌ای (بستر وقوع) (یافته‌های پژوهش)

توضیحات	شرایط زمینه‌ای (بستر وقوع)
بستر اقتصادی	وجود هزینه‌های تجهیزات و حمل‌ونقل و همچنین ریسک نوسانات درآمدی
بستر اجتماعی	رقابت و همبستگی بین موزیسین‌ها و تعامل با مخاطبان
بستر حقوقی-امنیتی	قوانین شهری، نیاز به مجوز و ریسک‌های امنیتی مانند سرقت یا آزار و اذیت
بستر فضایی	ویژگی‌های مکان‌های اجرا (مانند ایستگاه‌های مترو یا پارک‌ها)

جدول ۷. شرایط مداخله‌ای (عوامل تأثیرگذار بر روند) (یافته‌های پژوهش)

توضیحات	شرایط مداخله‌ای (عوامل تأثیرگذار بر روند)
نگاه جامعه	تغییر نگاه عمومی به موزیسین‌ها از "بی‌خانمان" به "هنرمند" و برجسب‌زنی‌های منفی
رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی	تأثیر رسانه‌ها بر ارتقای شهرت و جذب فرصت‌ها
عوامل جوی و رویدادهای شهری	تأثیر آب‌وهوا و رویدادهای بزرگ بر درآمد
نوسانات رقابتی	تأثیر حضور رقبا بر میزان درآمد در یک فضای محدود

مفاهیم	کدهای توصیفی	مراجع
تبیین فضای شهری به یک صحنه‌ی بازاریابی و نمایش	• نقش فضاهای شهری در تعاملات اجتماعی	{M _{24,4} }
	• تأثیر طراحی فضا بر نوع اجرا	{M _{167,5} }
	• تأثیر "قطعه‌ی اجرا" بر مخاطب	{M _{157,6} }
	• تبلیغ برای کسب‌وکارهای خود در فضای مجازی.	{M _{487,32} }
	• نمایش مهارت و جذب مخاطب.	{M _{12,7} }
		{M _{257,15} }
		{M _{167,41} }
		{M _{3,26} }
		{M _{97,29} }
		{M _{5,6} }
شبکه‌سازی و همکاری با کسب‌وکارهای محلی	• رقابت و همبستگی	{M _{8,19} }
	• ایجاد شبکه‌های حمایتی	{M _{14,23} }
	• تشکیل گروه‌ها و اجراهای مشترک	{M _{16,17} }
	• تشکیل گروه	{M _{21,11} }
	• اشتراک‌گذاری تجربیات.	{M _{1,74} }
	• مشارکت با فروشگاه‌ها و کافه‌ها.	{M ₂₇ }
	• تبلیغات برای کسب‌وکارهای محلی در ازای حمایت‌های مالی یا سایر مزایا.	{M _{57,3} }
	• ارتباط با برگزارکنندگان رویدادها	{M _{77,3} }
	• دریافت حمایت و پشتیبانی از هنرمندان بزرگ‌تر	{M _{307,22} }
	• برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری در تجهیزات و توسعه‌ی مهارت‌ها.	{M _{407,35} }
سازوکارهای شفاهی و نوسانات درآمدی	• تأثیر شرایط آب و هوایی بر درآمد	{M _{497,41} }
	• تأثیر حضور رقبا	{M _{387,29} }
	• تأثیر رویدادهای شهری.	{M _{437,35} }
	• ریسک مصادره‌ی تجهیزات توسط مأموران	{M _{477,36} }
	• پرداخت جریمه یا رشوه	{M _{20,137} }
	• هزینه خرید و نگهداری سازها	{M _{257,40} }
	• هزینه حمل و نقل تجهیزات	{M _{337,28} }
	• افزایش درآمد با افزایش شهرت.	{M ₃₇₄ }
	• کسب اعتبار و فرصت‌های جدید	{M _{38,12} }
		{M _{35,15} }
	{M _{127,3} }	
	{M _{157,3} }	
	{M _{207,3} }	
	{M _{247,6} }	
	{M _{227,3} }	
	{M _{471,5} }	
	{M _{207,12} }	
	{M _{437,22} }	
	{M _{157,35} }	
	{M _{177,9} }	
	{M _{357,22} }	
	{M ₂₇₄ }	
	{M _{457,35} }	
	{M _{297,41} }	
	{M _{197,3} }	
	{M _{327,29} }	
	{M _{147,21} }	
	{M _{487,35} }	
	{M _{177,35} }	
	{M _{5,24} }	
	{M _{167,6} }	
	{M _{8,15} }	
	{M _{237,4} }	
	{M _{227,1} }	

مرحله پنجم: تفسیر رابطه بین مقولات از طریق مدل پارادایمی

در این بخش، مقوله‌های نهایی بر اساس نظریه زمینه‌ای و روشن‌سازی ارتباط میان مقوله‌های استخراج شده از تحلیل داده‌ها تقسیم‌بندی می‌شوند. در این مدل مفهومی که در شش دسته بندی ارائه شده است، شرایط علی (جدول ۵)، زمینه‌ای (جدول ۶)، مداخله‌ای (جدول ۷) به شکل‌گیری مقاله محوری منجر شده‌اند در حالی که مقوله محوری نقش تعیین‌کننده در مشخص نمودن راهبردها و پیامدها (جدول ۸) ایفا می‌کند. پارادایم این پژوهش تفسیری-انتقادی است. در رویکرد تفسیری، هدف فهم تجربه‌های زیسته و معانی اجتماعی‌ست که موزیسین‌های خیابانی در تعامل با

می‌شود. این تحلیل با مطالعات مشابه در حوزه موسیقی خیابانی در تهران همسوست که به چالش‌های اقتصادی، نهادی و اجتماعی کنشگران این حوزه پرداخته‌اند و ضرورت توجه به پایداری معیشتی و حمایت‌های قانونی برای ارتقای جایگاه این هنرمندان در شهر را برجسته کرده‌اند.

مقاله اجتماعی: تجربه اجتماعی موزیسین‌های خیابانی در فضاهای عمومی تهران مملو از چالش‌هایی چون پردشدگی نهادی و انزوای اجتماعی است که آن‌ها را به حاشیه تعاملات رسمی و حتی غیررسمی می‌کشاند. ماهیت غیرقانونی یا بی‌قانون فعالیت‌شان سبب می‌شود تا غالب جامعه آن‌ها را به جای هنرمند، متکدی یا عامل اخلال بشناسد و این انگ‌زنی، که ۸۵ درصد مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کرده‌اند، منجر به کاهش جایگاه حرفه‌ای و هویت‌زایی از آنان می‌شود. یکی از نوازندگان (m۲۷) به شدت از این برخوردها شکایت دارد: «وقتی مردم پول را با ترحم به صورتم پرت می‌کنند، انگار من دزد یا گدا هستم، هنر من نادیده گرفته می‌شود. علاوه بر این، عدم وجود حمایت‌های صنفی و نهادینه، که ۷۰ درصد از مصاحبه‌شوندگان آن را مشکل می‌دانند، باعث آسیب‌پذیری شدید آنان در برابر مشکلات روزمره می‌شود. این کمبود حمایت رسمی، آنها را ناچار به تشکیلات شبکه‌های حمایتی غیررسمی کرده که صرفاً برای بقا شکل گرفته است؛ همان‌طور که یکی از آنان (m۴۳) می‌گوید: «ما هیچ بیمه‌ای نداریم و هیچ مرجعی برای شکایت وجود ندارد؛ تنها حمایتی که داریم از طرف دیگر نوازندگان خیابانی است. همچنین رقابت بر سر فضاهای برتر اجرا در خیابان‌ها سبب ایجاد تنش‌های دائمی بین موزیسین‌ها و سایر مشاغل خیابانی می‌شود. «حدود ۵۵ درصد مصاحبه‌شوندگان به این موضوع اشاره کرده‌اند و این چالش دائماً آرامش روانی و سرمایه اجتماعی آن‌ها را به خطر می‌اندازد. یکی از نوازندگان (m۱۵) می‌گوید: «اگر یک روز دیر بیای، بهترین جای اجرا را از دست می‌دهی و باید برای گرفتن مکان با دیگران بحث کنی. این دعوها خیلی خسته‌کننده است و ما را همیشه مضطرب نگه می‌دارد. «این مجموعه چالش‌ها، شامل انگ‌زنی اجتماعی، فقدان حمایت نهادی و تنش‌های مکانی، به منزله فشارهای پایدار اجتماعی است که می‌توان آن را محرومیت فضایی-اجتماعی در عرصه موسیقی خیابانی تهران تحلیل کرد. این تحلیل با مطالعاتی که نقش اجراهای خیابانی را در شکل‌گیری هویت فرهنگی و همبستگی اجتماعی در تهران بررسی کرده‌اند، همخوانی دارد و بر ضرورت حمایت‌های رسمی و بازتعریف جایگاه موزیسین‌های خیابانی در شهر تأکید می‌کند.

مقاله فرهنگی: چالش‌های فرهنگی موزیسین‌های خیابانی اساساً حول محور ماهیت هنری و محتوای اجراها و همچنین تعارض با هنجارهای فضایی و شنیداری جامعه شکل گرفته است. در کانون این چالش‌ها، مسئله قضاوت‌های

مقاله محوری (پدیده کانونی)

تبدیل فضای شهری به اکوسیستم اقتصادی-اجتماعی برای موزیسین‌های خیابانی: فضاهای شهری به‌عنوان بستر اصلی فعالیت‌هایی که هم شامل کسب‌وکار و هم شامل تعاملات اجتماعی، هویتی و فرهنگی می‌شوند.

جدول ۸. شرایط مداخله‌ای (عوامل تأثیرگذار بر روند) (یافته‌های پژوهش)

پیامدها (نتایج پدیده)	توضیحات
پیامدهای اقتصادی	افزایش درآمد از طریق شهرت و فرصت‌های جدید.
پیامدهای اجتماعی	تبدیل شدن به بخشی از هویت شهری، شکل‌گیری شبکه‌های حمایتی و مواجهه با طرد اجتماعی.
پیامدهای فرهنگی	انتقال دانش موسیقی و الهام‌بخشی به نسل‌های آینده.
پیامدهای روانی	تجربه افسردگی و اضطراب ناشی از نوسانات درآمدی و قضاوت‌ها.

نقل قول‌هایی از زبان موزیسین‌های خیابانی

مقاله اقتصادی: تجربه زیسته موزیسین‌های خیابانی در کانون کلان‌شهر تهران به‌طور آشکار با بی‌ثباتی و نوسانات شدید درآمدی در هم تنیده است؛ به طوری که ۷۲ درصد از مصاحبه‌شوندگان (۳۶ نفر از ۵۰ نفر) دغدغه اصلی‌شان را درآمد ناپایدار اعلام کرده‌اند. این وضعیت نشان می‌دهد که معیشت آن‌ها به شدت به شرایط غیرقابل پیش‌بینی محیط شهری وابسته است و نوسانات روزانه، برنامه‌ریزی مالی بلندمدت را برایشان دشوار ساخته است. یکی از نوازندگان (m۱۲) می‌گوید: «مشکل اصلی ما این‌هاست که هیچ تضمینی برای فردامون نیست. به روز ممکنه اندازه اجاره یک ماه دربیاد، ده روز بعدش هیچی. این بلاتکلیفی از هر چیزی سخت‌تره.» همچنین ریسک‌های نهادی، به ویژه مداخلات شهری و ترس مداوم از مصادره تجهیزات توسط نیروهای انتظامی، به‌عنوان بار اقتصادی پنهان ۶۰ درصد از کنشگران را تهدید می‌کند. یکی از آن‌ها (m۴۱) می‌گوید: «وقتی سازت رو می‌گیرن، یعنی منبع درآمدت قطع شده... این عدم امنیت قانونی، سود ما رو می‌بلعه.» افزون بر این، هزینه بالای ابزار و تجهیزات موسیقی که به دلیل نوسانات نرخ ارز و تورم افزایش یافته، بار مالی قابل توجهی بر دوش آن‌ها نهاده است؛ چنانکه (m۰۵) بیان می‌کند: «یک سیم گیتار پاره می‌شه، خودش کلی دردسر داره... هزینه ابزار ما دلاریه، ولی درآمد ما ریالی و ناپایداره.» در مجموع، این عوامل حاکی از یک وضعیت اقتصادی شکننده و پرریسک برای موزیسین‌های خیابانی در تهران است که موجب ایجاد فشار مضاعف بر زندگی آن‌ها و تهدید پایداری حرفه‌شان

جدول ۹. تفسیر روایت‌های سناریویی تدوین و شاخص‌ها (یافته‌های پژوهش)

پیشران	تعریف/مصادق	اثرگذاری (۵-۱)	عدم قطعیت (۵-۱)	اولویت (= حاصل ضرب)
حکمرانی و نظام صدور مجوز	ابهام مقررات، تذکر/برخورد، مصادره → مجوز/اسلات رزروی، فضاهای مجاز	۵	۴	۲۰
پذیرش اجتماعی + قدرت پلتفرم/پرداخت دیجیتال	انگ/نگاه سرد → انعام دیجیتال با QR، رزرو آنلاین، تعامل مثبت	۵	۴	۲۰
زیرساخت فضایی نقاط پارک/میدان/ورودی مترو با برق مجاز	سبک، استند و تابلو «مجاز»	۴	۳	۱۲
همکاری با کسب‌وکارهای محلی	درصد از فروش، میزبانی کافه/فروشگاه، فرم کوتاه قرارداد	۴	۳	۱۲
ریسک/ایمنی و مواجهه انتظامی	عدم ایمنی تجهیزات، ریسک سرقت، استرس ناشی از تذکر/برخورد	۴	۳	۱۲
گفتمان رسانه‌ای و باز روایت اجتماعی	کمپین/مستند شهری، آموزش مدرسه‌ای، تغییر انگ به «هنر شهری»	۳	۴	۱۲
مدل درآمد هیبریدی و تبدیل‌پذیری دیجیتال	انعام + محصول جانبی + رزرو خصوصی؛ تبدیل بازدید → رزرو	۴	۲	۸

استخراج و اولویت‌بندی پیشران‌ها. پس از کدگذاری باز-محوری-گزینشی مصاحبه‌ها/مشاهدات، مقوله‌ها به زبان پیشران بازنویسی شدند. پیشران‌های هسته‌ای مرتبط با موسیقی خیابانی عبارت‌اند از:

- حکمرانی/مقررات (مجوز موقت، نحوه برخورد، ابهام/شفافیت)،
- پذیرش اجتماعی/گفتمان (انگ‌زنی یا حمایت، زمان مکث عابران، شکایت همسایگی/کسبه)،
- اقتصاد خرد اجرا (انعام، رزرو خصوصی، محصول جانبی)،
- زیرساخت دیجیتال/پلتفرم‌ها (کارت‌خوان/QR، شبکه‌های اجتماعی، نرخ تبدیل بازدید → رزرو)،
- فضا/لوکیشن (مترو/پارک/پیاده‌راه، آکوستیک، رقابت مکانی، تراکم)،
- ریسک/ایمنی/فصل (عدم ایمنی تجهیزات، آب‌وهوا/

ارزشی و سلیقه‌ای مخاطبان قرار دارد؛ به طوری که ۷۸ درصد (۳۹ نفر از ۵۰ مصاحبه‌شونده) اذعان داشته‌اند که مجبورند برای کسب درآمد، سلیقه هنری خود را فدا کرده و به اجرای موسیقی‌های عامه‌پسند و پرطرفدار روی بیاورند. این امر، نوعی خودسانسوری خلاقانه را به هنرمند تحمیل می‌کند که یکی از آنان (m۰۹) در این خصوص می‌گوید: «ما مجبوریم سازهایی رو بزینم که مردم به سرعت باهاش ارتباط برقرار کنن و پول بدن، نه لزوماً اون چیزی که تو سلیقه خودمونه یا ارزش هنری بالاتری داره. این برای یه هنرمند مثل خیانت به هنرشه» در لایه‌ای عمیق‌تر، تعارض‌های محتوایی با سنت و عرف نیز یک مشکل فرهنگی دائم محسوب می‌شود. ۶۵ درصد (۳۲ نفر) از کنشگران از درک نادرست جامعه از موسیقی غیررسمی و خیابانی گلایه دارند؛ این نوع موسیقی اغلب به دلیل فقدان چارچوب رسمی، به صورت پیش‌فرض با نوعی «سطحی بودن» یا «بی‌ارزشی» معادل‌سازی می‌شود. این قضاوت فرهنگی، ارزش کار آن‌ها را در افکار عمومی کاهش می‌دهد. مصاحبه‌شونده (m۲۱) با لحنی انتقادی می‌گوید: «بسیاری از مردم فکر می‌کنن ما فقط داریم سرگرمی می‌کنیم، نه اینکه داریم یه اثر هنری اجرا می‌کنیم. اگه تو سالن باشی هنرمندی، ولی تو خیابون انگار فقط داری وقت می‌گذرونی» سرانجام، محدودیت‌های فضایی و شنیداری که از عدم هماهنگی میان فعالیت هنری و کارکرد فضای شهری نشأت می‌گیرد، چالش فرهنگی دیگری را ایجاد کرده است. ۵۲ درصد (۲۶ نفر) از مصاحبه‌شوندگان، محدودیت در انتخاب سبک‌های خاص موسیقی (مانند سبک‌های پر سر و صدا یا خاص) به دلیل احتمال اعتراض و درگیری با ساکنین و کسبه را دغدغه خود دانسته‌اند. این محدودیت، دامنه بیان خلاقانه آنان را در سطح خیابان محدود می‌سازد و به نوعی فشار فرهنگی فضایی تعبیر می‌شود. در این باره، یکی از موزیسین‌ها (m۴۹) اشاره می‌کند: «اگه بخوای یه ریتم متفاوت یا صدایی بلندتر داشته باشی، سریع سر و صداها شروع می‌شه که مزاحمتی، این فضا هیچ وقت برای موسیقی متفاوت، باز نیست.» در نهایت، مجموعه این عوامل فرهنگی، فعالیت هنری را به یک مذاکره دائم با سلیقه عمومی و هنجارهای مسلط تبدیل کرده است.

در ادامه ابتدا داده‌های کیفی گردآوری و کدگذاری شد و به مقوله‌های تحلیلی تبدیل گردید؛ سپس بر پایه این مقوله‌ها، پیشران‌ها استخراج شدند. در گام بعد، پیشران‌ها با ماتریس اثرگذاری × عدم قطعیت اولویت‌بندی شدند. بر مبنای پیشران‌های با اثرگذاری و عدم قطعیت بالاتر، دو عدم قطعیت بحرانی انتخاب و «فضای سناریو» در قالب ماتریس ۲×۲ ساخته شد؛ نهایتاً برای هر خانه ماتریس، روایت‌های سناریویی تدوین و شاخص‌های پایش/هشدار برای سنجش وقوع آن‌ها تعریف گردید (جدول ۹).

جدول ۱۰. تفسیر راهبردهای کلیدی (یافته‌های پژوهش)

شاخص‌های پیشنهادی	راهبردهای کلیدی	سناریو
٪ پرداخت دیجیتال؛ تراکنش /روز؛ رزرو خصوصی /هفته؛ زمان مکث عابران؛ شکایت ~	رزرو اسلات/فضای مجاز؛ همکاری با کسبه (درصد از فروش)؛ پرداخت دیجیتال/QR؛ تنوع درآمد (انعام+محصول+رزرو خصوصی)	A شهر هم‌نواز (تسهیل‌گر × پذیرش/پلتفرم قوی)
نسبت موفقیت داخل / خارج جزایر؛ ٪ پرداخت دیجیتال داخل جزایر؛ # محتوای ترویجی/هفته	رویداد/کمپین تغییر گفتمان؛ تقویت حضور پلتفرمی؛ توسعه نقاط مجاز با برنامه‌ریزی مکانی	B جزیره‌های مجاز (تسهیل‌گر × پذیرش/پلتفرم ضعیف)
تذکر /هفته؛ واریانس درآمد روزانه؛ نسبت درآمد خصوصی به خیابانی؛ گزارش تنش /فروودگی	نهاد صنفی میانجی؛ مجوز موقت کم‌اصطکاک؛ قرارداد استاندارد برای اجراهای خصوصی؛ پروتکل ایمنی تجهیزات	C صحنه ممنوع (محدودکننده × پذیرش/پلتفرم ضعیف)
رزرو آنلاین؛ نرخ تبدیل بازدید → رزرو؛ میانگین مبلغ قرارداد؛ سهم درآمد غیرخیابانی	بسته‌های همکاری / اسپانسر؛ قرارداد کوتاه استاندارد؛ بهینه‌سازی تبدیل بازدید → رزرو؛ اجرای پاپ آپ محتوای مجاور	D پلتفرم مجاور (محدودکننده × پذیرش/پلتفرم قوی)
رویداد دعوتی/ماه؛ میانگین درآمد هر رویداد؛ رشد شبکه مخاطبان نزدیک؛ همکاری مستقیم	کانال‌های دعوتی/خصوصی؛ پرداخت مستقیم؛ کارگاه‌های کوچک/محصولات؛ مدیریت جامعه نزدیک	E اقتصاد خودساخته (سناریوی مجاور/مکمل)

برای تشخیص سریع سناریوها از قواعد «اگر-آنگاه» استفاده می‌کنیم: هرگاه اسلات‌ها/مجوزها شفاف باشد، پرداخت دیجیتال به‌طور فراگیر انجام شود و همکاری با کسبه فعال باشد، وضعیت به سناریوی A (شهر هم‌نواز) دلالت دارد. اگر اسلات/مجوز موجود است اما پذیرش عمومی بیرون از نقاط مجاز پایین است، قرینه سناریوی B (جزیره‌های مجاز) است. در صورتی که ابهام مقررات با انگ اجتماعی بالا و تذکر/ریسک زیاد همراه شود، سناریوی C (صحنه ممنوع) محتمل است. هنگامی که محدودیت خیابان پابرجاست ولی پلتفرم‌ها، رزرو و اسپانسرینگ قوی عمل می‌کنند، شرایط با سناریوی D (پلتفرم مجاور) همخوان است. و هرگاه وابستگی به تراکنش‌های باز کاهش یابد و رویدادهای دعوتی و پرداخت‌های مستقیم افزایش پیدا کند، نشانه تقویت سناریوی E (اقتصاد خودساخته) است.

آزمون‌های سازگاری و اتکا. پیش از نهایی‌سازی، سناریوها چهار واری اصلی را گذرانند:

(۱) سازگاری درونی: برای هر سناریو «درخت مفروضات» و زنجیره

فصلی بودن).

هر پیش‌ران روی دو محور اثرگذاری و عدم قطعیت از ۱ تا ۵ امتیاز گرفت (حاصل ضرب = «امتیاز سناریویی»؛ جدول ۱). بر این اساس، دو پیش‌ران با بیشترین اثرگذاری و عدم قطعیت به‌عنوان محورهای سناریو برگزیده شدند:

- موضع حکمرانی شهری: تسهیل‌گر ↔ محدودکننده
- پذیرش اجتماعی/قدرت پلتفرم‌ها: بالا ↔ پایین

ساخت فضای سناریو (۲×۲) و منطق‌های چهارگانه. تقاطع دو محور فوق، چهار منطق سناریویی متمایز ایجاد کرد:

- A | تسهیل‌گر × پذیرش/پلتفرم قوی (شهر هم‌نواز): اسلات/فضاهای مجاز؛ پرداخت QR، همکاری با کسبه، رزرو خصوصی، شکایت اندک.

- B | تسهیل‌گر × پذیرش/پلتفرم ضعیف (جزیره‌های مجاز): عملکرد مطلوب عمدتاً در نقاط تعیین شده؛ بیرون آن نگاه سرد/انگ؛ نیاز به کمپین آگاهی‌رسانی.
- C | محدودکننده × پذیرش/پلتفرم ضعیف (صحنه ممنوع): ابهام مقررات/تذکر، جابه‌جایی مداوم، نایمنی تجهیزات، کوچ به خصوصی، فرسودگی روانی.

- D | محدودکننده × پذیرش/پلتفرم قوی (پلتفرم مجاور): اجرای خیابانی کوتاه/پاپ آپ محتوای مجاور؛ درآمد از رزرو/اسپانسر؛ ضرورت قرارداد استاندارد.

سناریوی مجاور/مکمل (E): اقتصاد خودساخته. تحلیل داده‌ها الگوی دیگری را نیز نشان داد که مستقیماً روی دو محور نمی‌نشیند اما می‌تواند در کنار آن‌ها فعال شود: اقتصاد خودساخته؛ یعنی اکوسیستم دعوتی/خصوصی مبتنی بر اعتماد و پرداخت‌های مستقیم. این الگو به‌ویژه در C و D به‌عنوان مسیر تاب‌آوری شبکه‌ای ظهور می‌کند و در A/B نقش نیش مکمل دارد.

روایت‌های زمینه‌ای کوتاه. برای هر سناریو، یک «روایت یک‌روزه شخصیت محور» تدوین شد تا نقاط تماس با شهر/کسبه/پلیس/پلتفرم و فراز و فرود درآمد/ریسک نمایش یابد. ویژگی‌ها برش‌های ۱۵۰-۳۰۰ کلمه‌ای هستند که «نشان می‌دهند» نه اینکه «فقط بگویند» و به خواننده امکان لمس منطق سناریو را می‌دهند.

شاخص‌ها و سیگنال‌های هشدار زودهنگام. جهت ردیابی وقوع/غلبه هر سناریو و ارزیابی سیاست‌ها، برای هر سناریو ۵-۷ شاخص تعریف شد؛ از جمله: درصد پرداخت دیجیتال، تعداد تراکنش/روز، تعداد رزرو خصوصی/هفته، زمان مکث عابران، تعداد تذکر/شکایت، تعداد همکاری با کسبه، نرخ تبدیل بازدید → رزرو. برای E نیز شاخص‌های اختصاصی مانند تعداد رویدادهای دعوتی/ماه، میانگین درآمد هر رویداد، رشد شبکه مخاطبان نزدیک، و تعداد همکاری مستقیم/ماه پیشنهاد شد (جدول ۱۰).

می‌کشد که در آن هر دو پیشران کلیدی یعنی «موضع حکمرانی شهری» و «پذیرش اجتماعی» در سطح پایینی قرار دارند. این شرایط باعث می‌شود که فعالیت موسیقی خیابانی به یک کنش مقطعی، سیال و زیرمینی تبدیل شود و معیشت موزیسین‌ها به شدت ناپایدار و پرمخاطره باشد.

سناریو D: پلتفرم محور (حکمرانی محدودکننده * پذیرش/پلتفرم قوی)

این سناریو یک وضعیت هیبریدی و هوشمندانه را توصیف می‌کند که در آن موضع حکمرانی شهری محدودکننده است، اما پذیرش اجتماعی بالا و قدرت پلتفرم‌های دیجیتال قوی است. در این شرایط، موزیسین‌های خیابانی برای فعالیت خود بر اقتصاد پلتفرم‌ها، رزروهای آنلاین و همکاری‌های تجاری متکی هستند و اجراهای خیابانی صرفاً به ابزاری برای تولید محتوا تبدیل می‌شود.

سناریو E - اقتصاد خودساخته

در واکنش به محدودیت‌های حکمرانی/پذیرش اجتماعی، برخی موزیسین‌ها با اتکا به سرمایه شبکه‌ای و اعتماد متقابل، صحنه و اقتصاد خود را در فضاهای نیمه خصوصی دعوتی و با پرداخت‌های مستقیم سامان می‌دهند؛ بدین سان اکوسیستمی بدیل می‌سازند که می‌تواند سناریوهای دیگر را تکمیل یا به چالش بکشد.

روایت‌ها

روایت ۱ - «شهر هم‌نواز» (حکمرانی تسهیل‌گر * پذیرش/پلتفرم قوی)

صبح سه‌شنبه، حوالی ساعت ۱۰:۳۰، در میان هیاهوی متعادل ورودی مترو تئاتر شهر، آریا استند سبک و تاشوی خود را برپا می‌کند. نمادی از مدیریت شهری در قالب یک QR Code کوچک بر روی کارت سفیدی که در کنار استندش قرار داده، به طور ضمنی مشروعیت و امنیت فعالیت او را تضمین می‌کند. اولین لویی که با گیتار و لوپ‌استیشنش می‌سازد، با ریتم گام‌های شتابان رهگذران و صدای عبور قطار درهم می‌آمیزد و به بخشی طبیعی از بافت صوتی فضا تبدیل می‌شود.

لحظاتی بعد، یک نوجوان با گوشی خود، به سادگی و بدون تردید، QR Code را اسکن می‌کند. صدای کوتاه و تأییدکننده‌ی «دینگ» از بلندگوی استند آریا، نشانه یک تراکنش موفق و بخشی از یک اکوسیستم پرداخت دیجیتال روان در فضای شهری است. کمی آن‌طرف‌تر، یک خانم مسن، با توفقی کوتاه، با لبخند قطعه «گل یخ» را به آریا سفارش می‌دهد و این کنش ساده، نشان از پذیرش فرهنگی و اجتماعی عمیق این نوع از هنر در میان لایه‌های مختلف جامعه دارد.

ساعت ۱ ظهر، پیامکی از صاحب کافه‌ای در همان محله به دست آریا می‌رسد: «سلام آریا، امشب خیلی شلوغیم، دو ست کوتاه می‌زنی؟ درصد از فروش هم می‌دیم.» آریا بلافاصله از روی یک پلتفرم شهری، فرم قرارداد یک صفحه‌ای مربوط به همکاری با

اگر-آنگاه تدوین شد و با ماتریس هم‌تأثیری پیشران‌ها بررسی گردید که عناصر با هم تعارض نداشته باشند؛ موارد ناسازگار بازنویسی شد. ۲) تمایز بیرونی: ویژگی‌های ممیز (الگوی رفتار بازیگران، مداخلات کارآمد، شاخص‌ها، الگوی فضایی) فهرست شد و با «آزمون سردرگمی» توسط دو بازیکن مستقل صحت‌سنجی شد؛ هرچا مرزها مبهم بود، تشریح سناریو و شاخص‌های تمایز تقویت گردید.

۳) ارتباط با تصمیم: با «جدول سناریو * راهبرد» سنجیده شد که بسته‌های مداخله‌ای واقعاً بین سناریوها متفاوت‌اند؛ راهبردهای مشترک به‌عنوان بدون پشیمانی مشخص یا اولویت‌بندی‌شان بازتنظیم شد.

۴) اتکا به شواهد: برای گزاره‌های اصلی، «نقش ادعا-شاهد» تهیه شد تا هر ادعا به گد/قول/مشاهده متناظر ارجاع داشته باشد؛ مثلت‌سازی و بررسی موارد ناسازگار رعایت شد. افزون بر این، سناریوها با سخت‌آزمایی شوک‌ها و اعتبارسنجی مشارکت‌کنندگان نیز محک خوردند تا تاب‌آوری و باورپذیری آن‌ها تثبیت شود.

ساختار گزارش نتایج، برای خوانایی و بازتولیدپذیری، پیشنهاد می‌شود: جدول ۹ امتیازدهی پیشران‌ها در قالب را ارائه کند؛ و جدول ۲ نگاهت «سناریو * راهبرد * شاخص» را خلاصه سازد. این سه قطعه به خواننده امکان می‌دهد مسیر حرکت از داده کیفی تا سناریوهای عملیاتی را قدم‌به‌قدم دنبال کند.

سناریوها

سناریو A: شهر هم‌نواز (حکمرانی تسهیل‌گر * پذیرش/پلتفرم قوی)

این سناریو یک وضعیت آرمانی و مطلوب را توصیف می‌کند که در آن دو پیشران کلیدی یعنی «موضع حکمرانی شهری» و «پذیرش اجتماعی/قدرت پلتفرم‌ها» در سطح بالایی قرار دارند. به عبارت دیگر، بستر نهادی و اجتماعی برای فعالیت پایدار موسیقی خیابانی فراهم است و این فعالیت به‌عنوان بخشی لاینفک از زیست شهری شناخته می‌شود.

سناریو B: جزیره‌های مجاز (حکمرانی تسهیل‌گر * پذیرش پایین/پلتفرم ضعیف)

این سناریو یک وضعیت دوگانه و متناقض را به تصویر می‌کشد. در این حالت، حکمرانی شهری بستر نهادی و زیرساخت‌های لازم برای فعالیت موزیسین‌های خیابانی را فراهم کرده است (مانند صدور مجوز و تعیین فضاهای مشخص). با این حال، پذیرش اجتماعی برای این فعالیت‌ها همچنان در سطح پایین باقی مانده یا دوپاره است. در نتیجه، فعالیت‌ها در «جزیره‌های مجاز» رونق می‌یابند، اما خارج از این مناطق، موسیقی خیابانی با انگ اجتماعی و بی‌ میلی شهروندان مواجه می‌شود.

سناریو C: صحنه ممنوع (حکمرانی محدودکننده * پذیرش پایین)

این سناریو یک وضعیت چالش‌برانگیز و فرسایشی را به تصویر

به توافق می‌رسد: «اگر مردم با موسیقی تو بیشتر خرید کنند، بهت درصد می‌دهم.» این تعاملات، هرچند محدود، به بقای پویا در این اکوسیستم دوباره کمک می‌کند. در پایان روز، درآمد پویا هرچند کافی است، اما این موفقیت تنها به نقاط محدودی از شهر وابسته است و او حس می‌کند که در یک فضای شهری تکه‌تکه و پراکنده به فعالیت مشغول است.

روایت ۳ - «صحنه ممنوع» (محدودکننده × پذیرش پایین)

ساعت ۱۰:۰۰ صبح است و سحر، نوازنده ویولن، با احتیاط و نگرانی در پیاده‌راهی پرتردد در حوالی خیابان انقلاب مستقر می‌شود. در این فضا، هیچ نشانی از مشروعیت یا حمایت نهادی دیده نمی‌شود. هر بار که سازش را از کیف بیرون می‌آورد، نگاه‌های سنگین و پرسش‌گر عابران را حس می‌کند. انگ اجتماعی و عدم پذیرش، حتی پیش از شروع اولین نت، بر فضای اطراف او سایه می‌اندازد. هنوز دقایقی از شروع اجرای او نگذشته است که یک مأمور شهرداری به او نزدیک می‌شود. برخلاف روایت «شهر هم‌نواز»، در این جا نه تبادل اطلاعات، بلکه یک «تذکر» بدون چون‌وچرا و با لحنی قاطعانه مطرح می‌شود. سحر مجبور است به سرعت ساز و تجهیزات خود را جمع کند و در حالی که نگران آسیب دیدن ویولن گران‌قیمتش است، به محل دیگری پناه ببرد. او به جای تمرکز بر کیفیت اجرا، انرژی خود را صرف گریز از برخورد و کاهش ریسک می‌کند. این فرآیند فرسایشی، به تدریج موسیقی خیابانی را به فعالیتی زیرزمینی و سیال تبدیل می‌کند. ساعت ۱۴:۰۰ ظهر، سحر در یک فضای نیمه‌پنهان‌تر، مانند زیر یک پل یا در یک کوچه بن‌بست، به اجرای کوتاه خود ادامه می‌دهد. درآمد او در طول روز پراکنده و همراه با استرس شدید است. او به جای تمرکز بر جذب مخاطب و ارتقای هنر خود، به «بقا» در فضای شهری می‌اندیشد. تمام تصمیمات او بر اساس کاهش ریسک و دوری از برخورد شکل می‌گیرد. در این شرایط، تنها راه برای کسب درآمد پایدار، مهاجرت به فضای آنلاین و اجرای خصوصی کوچک است. عصر، سحر از یک کافه کوچک برای اجرای یک مراسم خصوصی تماس می‌گیرد. هیچ قرارداد رسمی در کار نیست و توافق آن‌ها تنها بر مبنای چند پیام در پیام‌رسان است. این نوع همکاری‌ها، اگرچه درآمدی را فراهم می‌کنند، اما فاقد هرگونه امنیت شغلی و حقوقی هستند. در نهایت، سحر شب را با بدنی خسته و ذهنی آشفته به پایان می‌رساند. احساس غالب او، ناامنی و ناپایداری است و در دفترچه خود یادداشت می‌کند که باید به دنبال راه‌هایی برای دور زدن محدودیت‌های خیابانی باشد.

روایت ۴ - «پلتفرم محور» (محدودکننده × پذیرش / پلتفرم قوی)

ساعت ۱۱:۰۰ صبح است و نیکان، نوازنده سازهای الکترونیک، سه پایه و گیمبال خود را در کنار یک دیوار با گرافیتی‌های رنگارنگ نصب می‌کند. هدف او از این اجرای کوتاه و کنترل‌شده در فضای

کسب‌وکارها را برای او ارسال می‌کند. این فرم کوتاه، شامل جزئیات کلیدی مانند ساعت شروع، درصد سهم آریا از فروش و مسئولیت تجهیزات در کافه است. این فرآیند دیجیتال و استاندارد، ریسک حقوقی را برای هر دو طرف به حداقل می‌رساند.

عصر، آریا و یک نوازنده سازدهنی، در یکی از «اسلات‌های رزرو شده» در میدان فردوسی به صورت «جَم» اجرا می‌کنند. کارت‌خوان ۳۰ تا ۴۰ تراکنش را ثبت می‌کند و در همین حین، دو رزرو خصوصی برای آخر هفته از طریق همان پلتفرم یا اینستاگرام به آن‌ها پیشنهاد می‌شود. یک مأمور شهرداری به محل نزدیک می‌شود، با لبخندی که نشانه آشنایی با این فرآیند است، به آریا می‌گوید: «همان اسلات رزرو شده برای اجرای امروز؟» پس از تأیید، بدون هیچ تذکر یا مزاحمتی، کار خود را ادامه می‌دهد و تیک تأیید را در سیستمش می‌زند. این تعامل نشان از حکمرانی تسهیل‌گر دارد که فرآیندهای اداری را به سمت تأیید و تسهیل به جای محدود کردن، تغییر داده است. شب، آریا در حال استراحت، گزارش کوتاه اجرای امروز را به صورت آنلاین تکمیل می‌کند. او زمان، مکان، حدود تراکنش‌ها و مهم‌تر از همه، «تعداد شکایات صفر» را ثبت می‌کند. در پایان روز، احساس او یک بهزیستی روانی عمیق است؛ چرا که در این شهر، او نه یک مزاحم، بلکه یک عنصر سازنده و هم‌نواز است.

روایت ۲ - (جزیره‌های مجاز)

ساعت ۱۱:۰۰ صبح است و پویا، نوازنده کمانچه، در یکی از فضاهای مشخص و از پیش تعیین‌شده در پارک لاله مستقر می‌شود. تابلوی کوچک «این محل برای اجرای موسیقی مجاز است» که توسط شهرداری نصب شده، به نوعی مجوز فعالیت او را به نمایش می‌گذارد. زیرساخت برق نیز فراهم است، اما تعداد کمی از رهگذران در آن حوالی توقف می‌کنند. نگاه‌ها غالباً بی‌تفاوت است و تعاملات مثبت بسیار اندک. این وضعیت، نشان‌دهنده وجود یک فاصله ادراکی بین رویکرد تسهیل‌گرانه حکمرانی و پذیرش مردمی است. ساعت ۱۳:۳۰، در جستجوی مخاطبان جدید و درآمد بیشتر، پویا به یک پیاده‌راه شلوغ در خیابان ولیعصر می‌رود. در همان دقایق ابتدایی، با نگاه‌های سرد و تذکرهای لفظی از سوی برخی کسبه و عابران مواجه می‌شود: «اینجا جای این کارها نیست»، «مزاحم کسب‌وکارمان نشو». این برخوردها، به‌وضوح نشان‌دهنده انگ اجتماعی و نگاه منفی به این فعالیت خارج از «جزیره‌های امن» است. پیش از آنکه بتواند قطعه‌ای را کامل کند، یک مأمور شهرداری با لحنی مؤدبانه اما قاطع، به او تذکر می‌دهد که تنها در مکان‌های مجاز اجازه فعالیت دارد و از او می‌خواهد که به محل‌های تعیین‌شده بازگردد.

عصر، پویا با ناامیدی و خستگی به یکی از همان «جزیره‌های مجاز» بازمی‌گردد. با این حال، در این فضای محدود، تعاملات مثبتی شکل می‌گیرد. صاحب یک دکه کوچک، برای حمایت از او، یک صندلی و یک لیوان آب می‌آورد و با او برای یک همکاری ساده

فرهنگی، یافته‌ها بر نقش فعال موسیقی خیابانی در غنی‌سازی منظر صوتی شهری و تولید هویت مکان محور تأکید کرده و با نظریه‌های منظر صوتی شافر (۱۹۹۴) و ضرورت طراحی آکوستیکی همسو است. اما تضادی حیاتی با پیشینه غربی آشکار می‌شود؛ در تهران مشکل اصلی، انگ‌زنی اجتماعی گسترده و پردشدگی نهادی است که اجرای موزیسین‌های خیابانی را به‌عنوان "ریتمی آرتیمیک" در ساختار شهری تلقی می‌کند که دائم با نظم مسلط در ستیز و چانه‌زنی است، برخلاف شهرهای خلاق که هارمونی و هم‌نوایی دارند. ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که به مطالعه یک اکوسیستم شهری پویا و پرتحرک می‌پردازد که در برنامه‌ریزی شهری سنتی معمولاً نادیده گرفته شده است. تحلیل داده‌های میدانی (۵۰ مصاحبه) کمبود حمایت‌های صنفی، ریسک‌های قانونی و فشارهای اقتصادی را برجسته کرده که نیاز به مداخله سریع سیاست‌گذاران و تدوین راهکارهای مدیریت این فعالیت‌های فرهنگی-اجتماعی را ایجاد می‌کند. نوآوری محوری این تحقیق در تحول رویکرد تحلیلی به سمت سناریوسازی راهبردی نهفته است. به این منظور، تحلیل محتوای کیفی نیروهای پیشران مانند موضع حکمرانی شهری و پذیرش اجتماعی استخراج شده و با مدل ماتریس ۲×۲ سناریوهای آینده‌نگرانه‌ای طراحی شده که ابزاری مؤثر و نوین برای برنامه‌ریزی شهری ایران فراهم می‌آورد. از نظر مفهومی نیز پژوهش فراتر از نگرش موسیقی خیابانی صرفاً به‌عنوان "سرگرمی" یا "منبع درآمد" رفته و آن را ابزاری برای طراحی آکوستیکی مکان محور، توسعه هم‌زیستی اجتماعی و حکمرانی فرهنگی حساس به مکان معرفی کرده است. تفسیر عمیق یافته‌ها منجر به استخراج چهار منطق سناریویی شامل "شهر هم‌نواز"، "جزیره‌های مجاز"، "صحنه ممنوع" و "پلتفرم محور" گردید. این سناریوها فراتر از توصیف صرف، الگوهای اقدام و راهبردهای عملی در شرایط متنوع شهری را تعیین می‌کنند. به‌عنوان مثال، در شرایط "صحنه ممنوع" که حکمرانی و پذیرش اجتماعی ضعیف است، راهکار نهادی مانند صدور مجوز چندان کارآمد نیست و به جای آن، راه‌حل‌های شبکه‌ای و اقتصاد خودساخته از طریق کانال‌های خصوصی و دعوتی پیشنهاد می‌شود. بنابراین، تحلیل این سناریوها پژوهش را از یک گزارش توصیفی به یک سند راهبردی برای اقدام تبدیل نموده است. نتیجه‌گیری کلیدی پژوهش نشان می‌دهد که تجربه زیسته موزیسین‌های خیابانی به‌عنوان یک اکوسیستم حیاتی شهری نه تنها در تولید فضاهای شهری مؤثر است، بلکه نمادی از مواجهه با تنش‌های اقتصادی، نهادی و اجتماعی می‌باشد که در مرز بین "ریتیمیک" و "آرتیمیک" قرار دارد و تعمیق بومی قابل توجهی برای دانش نظری این حوزه فراهم می‌کند. از منظر روش‌شناختی و راهبردی، این مطالعه با بهره‌گیری از رویکرد سناریوسازی مبتنی بر داده‌های میدانی، چارچوب عملی و شاخص‌های پایش مرتبط را برای سیاست‌گذاران فرهنگ و برنامه‌ریزی شهری ایجاد کرده که می‌تواند به طور مؤثر در مدیریت فعالیت‌های موزیسین‌های خیابانی و بهبود کیفیت زندگی شهری به کار گرفته

عمومی، نه کسب درآمد آبی، بلکه تولید محتوایی با کیفیت بالا برای پلتفرم‌های اجتماعی مانند اینستاگرام یا تیک‌تاک است. او یک پاپ‌آپ (اجرای کوتاه و سرزده) ۹۰ ثانیه‌ای را اجرا می‌کند، در حالی که نگاه‌های دو رهگذر به صورت گذرا به او می‌افتد. هدف اصلی این پاپ‌آپ، ایجاد بازاریابی و پروسی برای برند شخصی او است. بلافاصله پس از پایان اجرا، نیکان ویدئو را به سرعت در موبایل خود ویرایش می‌کند. روی آن، QR Code و لینک‌های پرداخت را قرار می‌دهد و آن را منتشر می‌کند. با وجود محدودیت‌های فضای فیزیکی، قدرت پلتفرم‌های دیجیتال باعث می‌شود که محتوای او به سرعت دیده شود. در طول روز، از طریق دایرکت و پیام‌ها، پیشنهادهای کاری مختلفی دریافت می‌کند: یک رزرو برای اجرای خصوصی در یک مهمانی کوچک، یک پیشنهاد همکاری با یک کافه برای یک شب موسیقی، و حتی پیامی از یک برند محلی که قصد دارد او را به‌عنوان اسپانسر جذب کند. عصر، او یک قرارداد استاندارد و کوتاه را برای اجرای خصوصی با یک کافه امضا می‌کند. این قرارداد شامل مبلغ، ساعت دقیق اجرا، و مسئولیت تجهیزات است. در این سناریو، درآمد اصلی نیکان از طریق این مسیرهای سازمان‌یافته و امن تأمین می‌شود، نه از فضای خیابانی پرریسک. شب، نیکان نرخ تبدیل بازدید به رزرو را در ابزارهای تحلیلی پلتفرم‌ها بررسی می‌کند. این شاخص، مهم‌ترین معیار برای سنجش موفقیت اوست. هرچه این عدد بالاتر باشد، نشان‌دهنده موفقیت بیشتر استراتژی او در تبدیل مخاطبان آنلاین به مشتریان واقعی است. با این حال، او کاملاً آگاه است که وابستگی به این پلتفرم‌ها، چالش‌های خاص خود را دارد. در نهایت، او با دو نوازنده دیگر برنامه‌ریزی می‌کند تا یک بسته مشترک «موسیقی+کافه» طراحی کنند؛ یک راهبرد نوآورانه برای افزایش تاب‌آوری اقتصادی و دور زدن محدودیت‌های محیطی.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تحلیل تجربه زیسته موزیسین‌های خیابانی تهران و تبیین نقش کنشگرانه آنان در فرایند تولید فضاهای شهری انجام شده است. یافته‌های محوری این تحقیق در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دسته‌بندی شده و نشان می‌دهد که این تجربه‌ها فراتر از تفسیر صرف بوده و با مبانی نظری و پیشینه پژوهش دارای ارتباط عمیق و ناگسستگی هستند؛ از سوی دیگر، ضرورت مطالعه و نوآوری‌های خاص خود را در بستر کلان‌شهر تهران به اثبات می‌رسانند. یافته‌ها در چارچوب نظریه‌های کلاسیک تولید فضا و ریتیم‌کاوی همچون نظریه لفربرو (۱۹۹۱) تثبیت شده‌اند؛ کنشگران موسیقی خیابانی فقط مصرف‌کننده فضا نیستند بلکه خود آنان فضا را می‌آفرینند و با خلق تعاملات خودجوش انسانی و شکل دادن به جوامع موقت و سیال نماینده مفهوم "لحظات لیمینال" سیمپسون (۲۰۱۱) و "تاکتیک‌های روزمره" دو سر تو (۱۹۸۴) در بافت تهران هستند. در بخش

جدول ۱۱. راهکارهایی برای حل معضلات موزیسین‌های خیابانی

مقوله‌ها	راهکارها
اقتصادی	<p>تنوع بخشی به منابع درآمدی: موزیسین‌ها باید از وابستگی صرف به انعام فاصله بگیرند. این تنوع بخشی می‌تواند از طریق سازوکارهای زیر محقق شود:</p> <p>مدل‌های درآمدی هیبریدی: ترکیب درآمد حاصل از اجراهای خیابانی با فروش محصولات جانبی مانند آلبوم‌های موسیقی، و همچنین جذب اجراهای خصوصی برای مراسم و رویدادها.</p> <p>استفاده از فناوری‌های پرداخت مدرن: فراهم آوردن امکان پرداخت الکترونیکی از طریق اپلیکیشن‌ها و کارت‌خوان‌های موبایلی برای تسهیل فرآیند پرداخت انعام.</p> <p>ایجاد پلتفرم‌های تعاملی با کسب‌وکارهای محلی: می‌توان با ایجاد روابط هم‌افزا بین موزیسین‌ها و کسب‌وکارهای محلی، مدلی اقتصادی طراحی کرد. در این مدل، موزیسین‌ها به عنوان ابزاری برای جذب مشتری عمل کرده و در ازای آن، مبلغی ثابت یا درصدی از فروش کسب‌وکار را دریافت می‌کنند.</p>
	<p>"به رسمیت شناسی هنری و گفت‌وگو سازی: رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی می‌توانند با تغییر گفت‌وگو عمومی، نگاه جامعه به موزیسین‌ها را از "افراد بی‌خانمان" یا "کودک کار" به "هنرمندان جدی" تبدیل کنند. این امر از طریق زیرساخت‌های زیر ممکن است:</p> <p>برگزاری جشنواره‌ها و رویدادهای هنری: سازمان‌دهی رویدادهای ویژه برای معرفی موزیسین‌های خیابانی و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید برای آن‌ها.</p> <p>استفاده از رسانه‌ها: همکاری با رسانه‌های خبری، تلویزیونی و شبکه‌های اجتماعی برای تولید محتوا و مستندهای مربوط به زندگی و هنر موزیسین‌های خیابانی.</p> <p>تقویت شبکه‌سازی و سرمایه اجتماعی: موزیسین‌ها می‌توانند با تشکیل شبکه‌های غیررسمی حمایتی، سرمایه اجتماعی خود را افزایش دهند. این شبکه‌ها می‌توانند به تبادل اطلاعات در مورد مکان‌های امن، قوانین و تجربیات مثبت و منفی کمک کنند. این نوع تعامل، حس تعلق به جامعه را در آن‌ها تقویت می‌کند و از احساس تنهایی و انزوا اجتماعی جلوگیری می‌کند.</p>
اجتماعی	<p>طراحی و اجرای مقررات تسهیل گر: به جای رویکردهای محدودکننده، شهرداری‌ها و نهادهای شهری می‌توانند با همکاری موزیسین‌ها، مقرراتی تسهیل گر ایجاد کنند. این مقررات باید شامل موارد زیر باشد:</p> <p>صدور مجوزهای موقت و دائمی: ایجاد فرآیندهای شفاف و کم‌هزینه برای صدور مجوزهای اجرا در مکان‌ها و زمان‌های مشخص.</p> <p>تعیین "فضاهای هنری مجاز": مشخص کردن مکان‌هایی در فضاهای عمومی مانند پارک‌ها، میادین و ایستگاه‌های مترو که به طور ویژه برای اجرای موسیقی خیابانی در نظر گرفته شده‌اند.</p> <p>تأسیس نهادهای صنفی: با هدف نمایندگی رسمی موزیسین‌های خیابانی، می‌توان نهادهای صنفی غیردولتی (NGOs) یا انجمن‌های هنری تأسیس کرد. این نهادها می‌توانند نقش‌های زیر را ایفا کنند:</p> <p>میانجی‌گری: حل و فصل اختلافات با نهادهای دولتی و صاحبان کسب‌وکارها.</p> <p>ارائه خدمات پشتیبانی: ارائه خدمات حقوقی، مشاوره‌ای و مالی به اعضا.</p>
	<p>شود. به ویژه در این پژوهش بر ضرورت گذار از رویکردهای سنتی و از بالا به پایین در برنامه‌ریزی شهری تأکید می‌کند و پیشنهاد می‌دهد که سیاست‌ها باید به سمت اقدامات مکان‌محور و مردم‌محور هدایت شوند، از جمله ایجاد فرآیندهای شفاف صدور مجوزهای موقت و دائمی و تعیین فضاهای هنری مجاز در شهر و نیز تغییر گفت‌وگو اجتماعی از طریق کمپین‌ها و رویدادهایی که انگ اجتماعی منفی را کاهش داده و جایگاه هنرمندان موزیسین‌های خیابانی را تقویت کند. این تحقیق با کاوش در تجربه زیسته موزیسین‌های خیابانی در فضاهای عمومی تهران، نشان می‌دهد که موسیقی خیابانی فراتر از یک فعالیت تفریحی، نقش کلیدی در بازآفرینی فضای شهری ایفا می‌کند. نتایج حاکی از آن است که این پدیده به مثابه یک اکوسیستم زنده در دل شهر عمل می‌کند و بر سه محور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار است؛ در محور اقتصادی، به عنوان بخشی از اقتصاد خلاق مطرح است، در محور اجتماعی به خلق تعاملات گذرا و افزایش حس تعلق کمک می‌کند، و در محور فرهنگی به غنای منظر صوتی و هویت شهری می‌افزاید. سناریوهای تدوین شده، آینده موسیقی خیابانی را نه حاصل یک پیش‌بینی قطعی، بلکه تابعی از تعامل چندین نیروی پیشران می‌دانند و رویکردهای مدیریت شهری را به سمت سیاست‌های مبتنی بر حساسیت مکانی و مشارکت مردمی سوق می‌دهند.</p> <p>این سیاست‌ها به جای حذف یا کنترل صرف، بر سامان‌دهی و هم‌افزایی اجرای این پدیده‌های حیاتی در بافت شهری تأکید دارند. در مجموع، این پژوهش با برجسته کردن نقش موزیسین‌های خیابانی به عنوان تولیدکنندگان فضا، تأکید می‌کند که برنامه‌ریزی شهری برای رسیدن به شهری فراگیر و پویا باید از دیدگاهی اکولوژیک، به پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی بپردازد و آن‌ها را به عنوان سرمایه‌های بنیادین شهری ارزیابی نماید. در نهایت راهکارهای مطرح شده در جدول ۱۲- برای رفع چالش‌های موزیسین‌های خیابانی بر اساس تحلیل‌های جامع، به صورت یک چارچوب چندبعدی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نهادی دسته‌بندی شده‌اند. از بعد اقتصادی، تنوع بخشی به منابع درآمدی، به ویژه با ترکیب درآمدهای خیابانی، فروش محصولات و اجرای خصوصی، و استفاده از فناوری‌های پرداخت مدرن، می‌تواند به تثبیت درآمد و کاهش ریسک‌های مالی آنان کمک کند. در حوزه اجتماعی و فرهنگی، بازتعریف جایگاه اجتماعی موزیسین‌ها از طریق تغییر گفت‌وگو عمومی و برگزاری رویدادهای فرهنگی، همراه با تقویت شبکه‌های حمایتی و افزایش سرمایه اجتماعی، زیربنای ارتقای هویت و امنیت روانی آنان را فراهم می‌سازد. در بعد نهادی و سیاست‌گذاری، طراحی مقررات تسهیل گر با صدور مجوزهای شفاف و تعیین فضاهای هنری مشخص و همچنین تأسیس نهادهای صنفی مستقل، چشم‌اندازی ساختاری برای حمایت مستمر و سازماندهی فعالیت‌های موزیسین‌های خیابانی ایجاد می‌کند. تلفیق این راهکارها، ضمن پاسخگویی به نیازهای متنوع این گروه، زمینه‌ساز تحول مثبت و پایدار در اکوسیستم اقتصادی-اجتماعی موزیسین‌های خیابانی خواهد بود.</p>

- 152: Article 105175. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2024.105175>.
7. Chang, E. C. 2022. "Phenomenology and Cultural Considerations." *Cognitive and Behavioral Practice*. <https://doi.org/10.1016/j.cbpra.2022.02.017>.
 8. Clua, Á., J. Llorca-Boffí, and S. Psarra. 2020. "Urban Opportunities and Conflicts around Street Musicians: The Relationship between the Configuration of Public Space and Outdoor Acoustics in Ciutat Vella, Barcelona." *Journal of Urban Design* 25 (5): 561-589. <https://doi.org/10.1080/13574809.2019.1699398>.
 9. Cresswell, T. 2016. *Geographies of Rhythm: Nature, Place, Mobilities and Bodies*. Routledge.
 10. de Certeau, M. 1984. *The Practice of Everyday Life*. Translated by S. Rendall. Berkeley: University of California Press. (Original work published 1980).
 11. Derbal, R., and A. Rahmane. 2024. "Acoustic and Perceptual Spatial Delimitation in Public Places – A Multi-Criteria Method." *Studies in Engineering and Exact Sciences*. <https://doi.org/10.54021/seesv5n3-086>.
 12. Ho, R., and W. T. Au. 2021a. "Differentiating Busking from Begging: A Psychological Approach." *PLoS ONE* 16 (12): Article e0260781. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0260781>.
 13. ———. 2021b. "Effect of Street Performance (Busking) on the Environmental Perception of Public Space." *Frontiers in Psychology* 12: Article 647863. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.647863>.
 14. Ho, R., and M. Szubielska. 2024. "Field Experiment on the Effect of Musical Street Performance/Busking on Public Space Perception as Mediated by Street Audience Experience." *Scientific Reports* 14: Article 13147. <https://doi.org/10.1038/s41598-024-62672-1>.
 15. Ho, V. W.-K. 2023. "This City Needs Street Music: Practices, Experiences and Meanings in the Busking Scene of Hong Kong." *Popular Music and Society*. <https://doi.org/10.1080/03007766.2023.2224143>.
 16. International Federation of the Phonographic Industry, and Music Canada. 2015. *The Mastering*

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول ۵۰٪ و نویسنده دوم ۵۰٪.

تشکر و قدردانی

این مقاله حاصل تلاش و دانش اندوزی نویسندگان است. این تحقیق هیچ نوع منافع تجاری نداشته و نویسندگان بابت ارائه اثر خود هیچ وجهی دریافت نکرده‌اند. همچنین، مقاله از حمایت مالی و معنوی بهره مند نبوده و تمامی هزینه‌ها توسط نویسندگان تأمین شده است.

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان گزارش نشده است.

References

1. Agbeniyi, O. S., and R. Olaosebikan. 2024. "Directional Sound Field and Spatial Speech Decay: Impact of Sound Absorption and Screen Height in Performance Spaces and Open-Plan Offices." *International Journal of Innovative Science and Research Technology*. <https://doi.org/10.38124/ijisrt/ijisrt24sep778>.
2. Arnau Domínguez, J. T., and P. Simó Tomás. 2025. "Defining and Classifying Music Cities: Bridging the Gap in Music Tourism Research." *Deleted Journal*. <https://doi.org/10.7203/itamar.11.30737>.
3. Ballico, C., and D. Carter, eds. 2021. *Researching Live Music: Gigs, Tours, Concerts and Festivals*. Routledge.
4. Barone, F., and M. Casazza. 2024. "Vibroacoustic Characterization of a Chamber Music Concert Room in the Context of the Urban Texture." *Acta IMEKO*. <https://doi.org/10.21014/actaimeko.v13i2.1781>.
5. Bar-Sinai, K. L., T. Shaked, E. S. Fettahoglu, J. Krimm, and B. Boucsein. 2023. "Embedding Acoustic Analysis in Landscape Architecture Design Processes: A Case Study of Munich Airport." *Buildings* 13 (1): 143. <https://doi.org/10.3390/buildings13010143>.
6. Chan, T. H. Y. 2024. "Rethinking Urban Street Experiments through Lefebvre's Rhythmanalysis: From Vehicles and Vibrancy to Virtuosos." *Cities*

27. Shapiro, S. 2023. *This Must Be the Place*. Repeater Books.
28. Simpson, P. 2011. "Street Performance and the City: Public Space, Sociality, and Intervening in the Everyday." *Space and Culture* 14 (4): 415-430. <https://doi.org/10.1177/1206331211412270>.
29. Su, H., H. Ma, and K. Liu. 2025. "Multisensory Approaches, a Potential Effective Method for Environmental Comfort Improvement in Historic Urban Quarters." <https://doi.org/10.2139/ssrn.5092290>.
30. Tartia, J. 2023. *Urban Rhythmscapes—Examining the Temporal Forms of Urban Spaces*. https://doi.org/10.1007/978-3-031-35723-7_5.
31. Thompson, E. A. 2002. *The Soundscape of Modernity: Architectural Acoustics and the Culture of Listening in America, 1900-1933*. Cambridge, MA: MIT Press.
32. Truax, B. 2001. *Acoustic Communication*. 2nd ed. Stamford, CT: Ablex Publishing.
33. van der Hoeven, A., and E. Hitters. 2019. "The Social and Cultural Values of Live Music: Sustaining Urban Live Music Ecologies." *Cities* 90: 263-271. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.02.015>.
34. Wang, S., and A. Li. 2024. "Identify the Significant Landscape Characteristics for the Perceived Restorativeness of 8 Perceived Sensory Dimensions in Urban Green Space." *Heliyon*. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2024.e27925>.
35. Wunderlich, F. M. 2013. "Place-temporality and Urban Place-rhythms in Urban Analysis and Design: An Aesthetic Akin to Music." *Journal of Urban Design* 18 (3): 383-408. <https://doi.org/10.1080/13574809.2013.772882>.
36. Zakharova, K., R. Rodela, and K. Lehtilä. 2025. "Aesthetic Perception of Urban Biodiversity: A Review of Methodologies and Statistical Approaches." *Cogent Social Sciences* 11 (1). <https://doi.org/10.1080/23311886.2025.2484629>
- of a Music City: Key Elements, Effective Strategies and Why It's Worth Pursuing. IFPI and Music Canada.
17. Kang, J., and B. Schulte-Fortkamp, eds. 2016. *Soundscape and the Built Environment*. CRC Press.
18. Lefebvre, H. 1991. *The Production of Space*. Translated by D. Nicholson-Smith. Oxford: Blackwell. (Original work published 1974).
19. ———. 2004. *Rhythmanalysis: Space, Time and Everyday Life*. Translated by S. Elden and G. Moore. London: Continuum. (Original work published 1992).
20. Lin, J., X. Wang, and G. Lin. 2024. "Performance and Atmosphere in Urban Public Spaces: Street Music in Guangzhou, China." *Geographical Research*. <https://doi.org/10.1111/1745-5871.12632>.
21. Lund, R. L., and A. Jørgensen. 2024. "Same-same, but different." *Geoforum Perspektiv*. <https://doi.org/10.54337/ojs.perspektiv.v22i42.7098>.
22. Mestre, R. 2023. "Sound Instance: A Inner Soundwalk Through Life." *Deleted Journal*. <https://doi.org/10.22492/issn.2186-229x.2023.6>.
23. Ospina Gallego, C., N. Lloret Romero, and H. Y. Betancur Santa. 2024. "regulations for street music in Spain lead urban musicians to break the law?" <https://doi.org/10.25765/sauc.v9i1.668>.
24. Ozturk, Z. S., J. Kang, and F. Aletta. 2025. "Soundscape Research in Streets: A Scoping Review." *Sustainability* 17 (8): 3329. <https://doi.org/10.3390/su17083329>.
25. Pylypchuk, O., and A. Полюбок. 2025. "Research of Art Objects in the Context of Aesthetic and Cultural Integration into Modern Interior Space." *Demùrg: Ìdeĭ, Tehnologĭĭ, Perspektivi Dizajnu*. <https://doi.org/10.31866/2617-7951.8.1.2025.330500>.
26. Schafer, R. M. 1994. *The Soundscape: Our Sonic Environment and the Tuning of the World*. Rochester, VT: Destiny Books. (Original work published 1977).